

## اصل ضرورت نظامی و بررسی بکارگیری وسایل و روش‌های منع شده در جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران

علیرضا نوروزی<sup>۱</sup>

حسام دیدگاه<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۰۴

### چکیده

حقوق مخاصمات مسلحانه و بشردوستانه بین‌المللی (شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل) به دو طرف درگیری‌ها اجازه نداده است که برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های جنگی خود به هر نوع سلاح یا وسیله جنگی متوسل شوند. این حقوق از همان آغاز پیدایش خود در عصر نوین، با هدف انسانی و اخلاقی کردن جنگ و به حداقل ممکن رساندن آلام و دردهای جانبی آن، سعی کرده‌اند تا بکارگیری آن دسته از سلاح‌ها و روش‌هایی که موجب درد و رنج بی‌هوده شده و بر نیروهای رقیب آسیب‌هایی غیرضروری وارد می‌آورند را ممنوع کنند. سؤال این است که آیا ضرورت‌های نظامی می‌تواند توجیه‌کننده استفاده از این وسایل ممنوعه و روش‌های غیرمجاز در صحنه‌ی کارزار جنگ باشد؟ از منظر حقوق بشردوستانه، تنها هدف مشروع مخاصمات مسلحانه، توقف توان جنگی دشمن و خارج کردن رزمندگان از حالت جنگ و ادامه کارزار است، اما استفاده از روش‌ها و ابزار جنگی نامتعارف و کاربرد سلاح‌های ممنوعه و غیرانسانی، حتی از منظر اصل ضرورت نظامی، غیرقابل توجیه می‌باشد. عدم وضوح در معنای این اصل و تبیین نشدن حدود و ثغور «ضرورت نظامی»، موجب بروز و ظهور چالش‌ها و آسیب‌های فراوان در عرصه مخاصمات بین‌المللی و نیز مخاصمات داخلی شده است. ضرورت نظامی یک نیاز اضطراری، اجتناب‌ناپذیر و بدون فوت وقت برای اتخاذ اقداماتی است که از سوی یک فرمانده برای آنکه دشمن را به سریع‌ترین شکل ممکن به وسیله ابزار و ادوات قانونی و کنترل شده وادار به تسلیم و توقف کند، صورت می‌گیرد. مع‌ذکب این مقاله در پی یافتن ماهیت و حدود اصل ضرورت نظامی در حقوق بشردوستانه بین‌المللی و جایگاه این اصل با توجه به وسایل و روش‌های منع شده در حقوق مخاصمات مسلحانه با بررسی موردی جنگ عراق علیه ایران می‌باشد.

**کلید واژه‌ها:** اصل ضرورت نظامی، روش‌ها و وسایل منع شده، جنگ عراق علیه ایران، تأسیسات هسته‌ای و حیاتی، حملات شیمیایی، محیط‌زیست.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران مرکزی، Alireza.norouzi@gmail.com  
<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علوم تحقیقات تهران، hesamdidgah@hotmail.com

#### مقدمه

ضرورت نظامی، اصلی در قوانین مخاصمات مسلحانه است که قابل کاربرد نبودن بالقوه‌ی معیارهای حقوقی را در شرایط خاص به رسمیت می‌شناسد و متعاقباً ممکن است تقصیر و جرم را برای عمل ظاهراً غیرقانونی در درگیری‌های مسلحانه، کاهش یا حذف کند؛ به عبارت دیگر ضرورت نظامی یک سری اقدامات را از قوانین خاص مربوط به حقوق بشر دوستانه بین‌المللی استثناء می‌کند، این قانون آن دسته از اقدامات منافی قانون را مجاز می‌شمرد "که به منظور دستیابی به یک هدف نظامی ضرورت داشته" و در غیر این صورت باید مطابق با قانون مورد نظر باشند. سؤال اصلی این تحقیق این است که "حدود و صنور اصل ضرورت نظامی در بکارگیری روش‌ها و وسایل منع شده در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی چیست؟"

از منظر حقوق بشردوستانه، تنها هدف مشروع مخاصمات مسلحانه، توقف توان جنگی دشمن و خارج کردن رزمنده از حالت جنگ و ادامه کارزار است، اما استفاده از روش‌ها و ابزار جنگی نامتعارف و کاربرد سلاح‌های ممنوعه و غیر انسانی، حتی از منظر اصل ضرورت نظامی، غیرقابل توجیه می‌باشند. سلاح‌های شیمیایی و میکروبی از جمله سلاح‌های ممنوعه‌ای هستند که حقوق مخاصمات مسلحانه و بشر دوستانه کاربرد آنها را در مخاصمات مسلحانه منع کرده است. در این زمینه در سال ۱۹۲۵، پروتکلی در ژنو تدوین شد و طی مقررات خود، به صراحت کاربرد چنین سلاح‌هایی را در مخاصمات مسلحانه ممنوع اعلام کرد. همچنین در قوانین مربوطه، ممنوعیت‌هایی راجع به تاکتیک‌های نظامی و مراکز و ساختمان‌هایی خاص مقرر شده است که یکی از این موارد تخریب محیط‌زیست و حمله به تأسیسات غیر نظامی می‌باشد، چیزی که در عمل در جنگ‌ها بسیار دیده می‌شود. ارتش عراق با تخطی از ممنوعیت‌های مذکور در زمینه کاربرد سلاح‌های شیمیایی در موارد مختلفی با توسل به این گونه سلاح‌ها فاجعه عظیمی را هم برای ملت خود و هم برای مردم بی‌دفاع و غیر نظامی ساکن در شهرهای مرزی ایران به بار آورد. همچنین این رژیم بارها به تأسیسات غیرنظامی ایران که کیلومترها از مناطق جنگی فاصله داشتند، حمله‌ور شد که در این بین حمله به نیروگاه اتمی بوشهر، بیش از همه موارد مورد بحث ما می‌باشد. بررسی جوانب متعدد حقوقی جنگ عراق علیه ایران خود امری مهم می‌نماید که به نوعی زدودن گرد و غبار از موارد

نقض این اصل در این جنگ توسط عراق و همینطور برجسته و آشکار نمودن زاویه‌های آن که خود به نوعی انجام تکلیفی نسبت به شهدا و جانبازان که ارزشمندترین هدیه خداوند یعنی جان خود را برای سرزمین خود و اسلام در طبق اخلاص گذاشتند، وظیفه ما می‌باشد و هم به نوعی موجب کاربردی کردن مقاله حاضر در جهت آموزش فرماندهان نظامی در جهت تبیین شرایط و معیارهای تشخیص موارد ضرورت نظامی از غیر نظامی و غنی کردن ابعاد حقوقی مختلف این جنگ است.

### ادبیات تحقیق

با توجه به مطالعات و تحقیقات بعمل آمده در مورد موضوع مذکور، اساساً هیچ تحقیق، رساله، کتاب جامعی در مورد این اصل اساسی وجود ندارد و ضرورت تحقیق و تفحص در این موضوع بیش از پیش احساس می‌شود. با این حال این موضوع، عنوان دو رساله در آمریکا و فرانسه بوده و همچنین مقالات متعددی از آقایان نویو هایاشی و اسمیت و ... در این موضوع نگاشته شده است که جای خالی این بحث در کشور ایران که خود مبتلا به جنگ بوده خالی می‌باشد.

### روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر ماهیتاً توصیفی و تحلیلی بوده و اطلاعات و داده‌های این تحقیق مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای می‌باشد. برای به دست آوردن نتایج حقوقی منابع فراوانی از اسناد بین‌المللی حقوق بشردوستانه و نیز کتب و مقالاتی در مورد موضوع مذکور مورد مذاقه قرار گرفته است. در موضوع مذکور با توجه به قوانین و مقررات مربوطه و همچنین رویه‌ی قضایی حاضر و اصول کلی اقدام به تحلیل حقوقی وقایع صورت گرفته است.

### ۱ - مفهوم و محتوای اصل ضرورت نظامی در حقوق بشردوستانه بین‌المللی

در کتاب‌های نظامی و متون دانشگاهی، ضرورت نظامی رسماً به‌عنوان یکی از اصول اساسی قوانین جدید جنگی تأیید می‌شود. ضرورت نظامی از ابتدا محدودیتی بر اقدامات کشور بوده و همچنان باید به‌عنوان یک محدودیت عمل کند اما به نظر می‌رسد که فراموش شده باشد.

جدیدترین تحقیر ضرورت نظامی به دادگاه‌های نورنبرگ پس از جنگ جهانی دوم باز می‌گردد که در آن برخی از خوانندگان خشونت علیه غیرنظامیان را با اصل ضرورت نظامی توجیه می‌کردند. متأسفانه ضرورت نظامی امروزه به‌طور گسترده به‌عنوان یک دکترین خیانت‌آمیز محسوب می‌شود که جهت توجیه هرگونه تخطی استناد می‌شود. در نتیجه این اصل نمی‌تواند نقش خلاقانه‌ای ایفا کند که قابلیت بازی داشته باشد.

دین و تمدن اسلامی نیز بیش از دیگر ادیان و تمدن‌ها به لزوم رعایت مقررات انسان دوستانه در جنگ‌ها تأکید کرده است. دین اسلام اجرای حقوق بشردوستانه را از مقتضیات و ضروریات دانسته و فقیهان اسلامی با وضع قاعده‌ی «الضرورات تبيح المحظورات» بر همین مطلب صحه گذاشته‌اند. پیامبر اکرم ﷺ در مورد جمع بین دو وضعیت متناقض، یعنی ملاحظات انسان دوستانه و ضرورت‌های نظامی، مروت و رحمت و انسانیت را بر جنگ مقدم دانسته‌اند تا به رزمنده‌ی مسلمان القا شود که او بازوی عدالت است، نه شمشیر انهدام مقررات بشردوستانه‌ی اسلامی.

حال در این میان نباید از ملاحظات و شرایط کنونی جامعه بین‌المللی دور بود؛ چرا که مقررات بین‌المللی مخاصمات مسلحانه الزاماً شامل محدودیتی بر صلاحیت حاکم پر دولت‌ها در اعمال زور در راستای دفاع از منافعشان می‌باشد. به‌طور واضح، جایی که منافع حیاتی دولت‌ها در خطر باشد، واقع‌گرایانه نیست که مطالبات عملی شرایط، در اجرای قوانین نادیده گرفته شود؛ یعنی باید نگاهی رئالیسم نسبت به وضعیت حکومت‌ها و آنچه که واقعاً در جنگ‌ها اتفاق می‌افتد، داشته باشیم. به‌طور تاریخی دکترین ضرورت نظامی در تعریف شرایط تعادل میان واقعیات اقدامات زورمندانه و محدودیتهای بشردوستانه اهمیت اساسی داشته است. مدافعان حقوق بین‌الملل بشردوستانه، معتقدند آنچه که حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در برابر مخاطبانش موفق می‌کند این است که معیارهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه، نبرد میان طرفین جنگ - و انجام مأموریت نظامی - را غیرممکن نمی‌سازد.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه نمی‌خواهد مانع پیروزی یکی از متخاصمین در جنگ شود. رعایت الزامات بشری کسب موفقیت‌های نظامی را به خطر نمی‌اندازد؛ رفتار بشردوستانه مانع دستیابی به اهدافی که به خاطر آن‌ها جنگ صورت گرفته نمی‌شود.

امروزه ضرورت نظامی به‌طور گسترده به‌عنوان چیزی محسوب می‌شود که در مقابل قوانین بشردوستانه بین‌المللی ایستاده و تمایل زیادی به غلبه و یا نادیده گرفتن این مقررات دارد و متأسفانه نقش اصلی آن که به‌عنوان محدودیتی بر اقدام نظامی بوده، فراموش شده است. در حالی که قوانین جنگ در چارچوب خود، ضرورت نظامی را اجازه می‌دهند که نمی‌تواند از قوانین تجاوز کند. ضرورت نظامی زمانی که قوانین تنظیم شدند در نظر گرفته شده، و مقررات دیگر نشان می‌دهند که تا چه میزان می‌توانند تحت فشار ضرورت نظامی تعدیل شوند.

اصل ضرورت نظامی وسیله‌ای نیست که توسط آن بتوان از قوانین جنگی اجتناب کرد. اگرچه ضرورت نظامی استفاده از خشونت را برای وادار کردن دشمن به تسلیم مجاز دانسته، این دکترین تنها خشونت «تنظیم شده» را مجاز می‌داند نه خشونتی که توسط قوانین و عرف جنگی ممنوع است؛ به عبارت دیگر قواعد کلی ضرورت این است که متخاصمین ممکن است ابزاری که برای دستیابی به اهدافشان لازم است را بکار گیرند؛ اما اگر چنین اقدامی توسط قواعد حقوق بین‌الملل پذیرفته نشده و ممنوع اعلام شود، ضرورت نظامی قابلیت توجیه این رفتار را ندارد. یک جنگ خوب، جنگی است که در آن هر اقدامی یک «ضرورت نظامی» باشد، یعنی اینکه، به‌طور حرفه‌ای و با بسیج منابع مطلوب انجام شود و به‌سوی یک هدف نظامی تعریف شده که از لحاظ استراتژیکی درست و کامل، و از لحاظ منطقی قابل دستیابی باشد، رهنمون و هدایت شود. همچنین ما معتقدیم مسئله‌ی ضرورت نظامی حساس‌ترین مسئله‌ای است که می‌تواند موجب کوتاه کردن جنگ‌ها شود.

بالعکس، جنگ‌ها می‌توانند به روش‌های مختلف و به نحو نامناسبی صورت پذیرند. برای مثال، ممکن است اقدامات مورد نظر، اگرچه برای رسیدن به اهداف نظامی مربوطه ضروری هستند، اما ناکام باشند، یا ممکن است در رابطه با اهداف مذکور، بیش از حد نیاز باشند (از حد نیاز تجاوز کند) و ممکن است صرفاً هیچ ربطی به اهداف فرضی آنها نداشته باشند، و یا حتی به خاطر اهداف شخصی، سیاسی و بدون در نظر گرفتن هیچ هدف خاصی انجام شده باشند، همچنین می‌توانند در نتیجه وجود یک سری اهداف نظامی نسنجیده، غیرواقع‌گرایانه یا درست تعریف نشده، باشند. در واقع، جنگ‌های غیر اقتصادی اغلب یک نتیجه ترکیبی از این اقدامات و اهداف می‌باشند. اینجا

دقیقاً جایی است که ضرورت‌های نظامی ملموس و عینی جلوی این نوع از اهداف را گرفته و اقدامات عملیاتی را فقط در یک چارچوب دقیق و صرف نظامی اجازه می‌دهد.

در نخستین کتاب‌های راهنمای ارتش در میدان نبرد، فرانسیس لیبر توصیفی پوزیتیویسم (اثبات‌گرایانه) از این دکترین ارائه نمود: «ضرورت نظامی، چنانکه توسط کشورهای متمدن مدرن استنباط می‌شود، شامل ضرورت معیارهایی می‌شود که برای تأمین اهداف جنگ مطلقاً ضروری هستند و شامل معیارهایی که مطابق با قوانین و عرف جدید جنگی، قانونی هستند» (D. Van , Nostrand, 1903, p.).

مطابق این تفسیر، اصل ضرورت نظامی وسیله‌ای نیست که توسط آن بتوان از قوانین جنگی اجتناب کرد. در مقابل، دکترینی است که با عرف و معیارهای بین‌المللی محدود می‌شود. با گنجاندن این دکترین در یک متن حقوقی، تعریف فوق می‌تواند ذکر شود تا ضرورت نظامی را مشروع کند.<sup>۱</sup>

بسیاری از حقوقدانان، از این تئوری پوزیتیویسم ضرورت نظامی حمایت کرده‌اند. ویلیام جرال دونی<sup>۲</sup> فرمانده ارتش آمریکا عنوان کرده است که اگرچه ضرورت نظامی استفاده از خشونت را برای وادار کردن دشمن به تسلیم مجاز دانسته، این دکترین تنها خشونت «تنظیم‌شده» را مجاز می‌داند نه خشونتی که توسط قوانین و عرف جنگی ممنوع است. (Downey, 1953, p: 251, 254-60) با موافقت با این نظر، جردن پست<sup>۳</sup> نوشته است که قواعد کلی ضرورت این است که متخاصمین ممکن است ابزاری که برای دستیابی به اهدافشان لازم است را بکار گیرند اما اگر چنین اقدامی توسط قواعد حقوق بین‌الملل پذیرفته نشود، ضرورت نظامی این رفتار را توجیه نمی‌کند (Paust, 1974, p: 160, 172).

حقوقدانان به پیش شرط‌ها و قیودی پرداخته‌اند که گفته می‌شود بخشی از مفهوم ضرورت نظامی است. از آنجا که در اصطلاح‌شناسی حقوق، مفاهیم مختلف از ضرورت نظامی هنوز به‌طور

<sup>۱</sup> O'Brien, *supra* note 1, p 128-31.

<sup>۲</sup> William Gerald Downey

<sup>۳</sup> Jordan J. Paust

کامل تعریف و توضیح داده نشده است، نگارنده این سطور صرفاً با اتکاء به پرونده‌های مختلف در دادگاه‌های نظامی که رأی درباره آنها صادر شده است، تعریف زیر را از ضرورت نظامی تهیه کرده است:

«ضرورت نظامی عبارت است از یک نیاز اضطراری، اجتناب‌ناپذیر و بدون فوت وقت برای اتخاذ اقداماتی از سوی یک فرمانده برای آنکه دشمن را به سریع‌ترین شکل ممکن وادار به تسلیم از طریق استفاده از ابزار و ادوات خشونت قانونی و کنترل شده‌ای کند که قوانین و عرف و عرف جنگ‌ها آن را ممنوع ساخته‌اند.»

#### سپس این تعریف به چهار شرط متزاید تجزیه می‌شود:

- الف) آن اقدام عمدتاً به خاطر دست یافتن به یک هدف نظامی خاص صورت گرفته باشد.
- ب) و آن اقدام برای دست یافتن به آن هدف نظامی لازم بوده است.
- ج) اینکه هدف نظامی مورد نظر که آن اقدام برای دست یافتن به آن صورت گرفته است مطابق با قوانین بین‌المللی بشردوستانه بوده است.
- د) همچنین خود آن اقدام مطابق با قوانین حقوق بشردوستانه بین‌المللی بوده است.

متأسفانه امروزه اصل ضرورت نظامی غالباً به‌عنوان یک آموزه پنهانی در نظر گرفته می‌شود و بیشتر به‌منظور توجیه کردن خشونت به آن استناد می‌شود، در نتیجه باید آن را تحت شدیدترین محدودیت‌های ممکن قرارداد و یا چنانچه قوانین جنگ در دست تدوین می‌باشند شرح و تفصیل بیشتری در مورد آن صورت گیرد.

#### ۱-۱- ضرورت نظامی به‌عنوان یک اصل در حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی

ضرورت نظامی به‌عنوان یک اصل همچنان یک اصل معتبر می‌باشد، اما امروزه به‌عنوان این ایده استنباط می‌شود که عملیات نظامی را مشروع می‌کند مگر اینکه عملیات موضوع بحث مطابق قانون درگیری‌های مسلحانه ممنوع باشند؛ به عبارت دیگر ضرورت نظامی به‌عنوان یکی از اصول این مجموعه از حقوق، به‌عنوان توجیهی محدود استنباط می‌شود. با درک این شیوه، ضرورت

نظامی می‌تواند به‌عنوان عامل محدودکننده‌ی خشونت توصیف شود نه به‌عنوان عامل محرک خشونت، چراکه این اصل خشونت‌های غیرضروری را منع می‌کند.<sup>۱</sup> همچنین ضرورت نظامی در این معنا، به‌عنوان ضابطه‌ی اصلی مجموعه‌ای از مقررات و اصول در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اعمال می‌شود. این اصل نشانگر موقعیت نگرانی‌های نظامی در تعیین تعادل میان ملاحظات نظامی و ملاحظات دیگر، زمانی که اصول و مقررات خاص اعمال می‌شوند تا پرونده‌ها را مستند کنند، می‌باشد. به‌عنوان مثال اصل تناسب موضوع ارزیابی ضرورت نظامی در این معناست. این اصل که تحمل دردهای غیرضروری را به‌عنوان ابزار و شیوه‌های جنگی منع می‌کند، ارزیابی ضرورت نظامی را به‌عنوان عامل متعادل‌کننده نیز در بر می‌گیرد.<sup>۲</sup>

یک پرونده که روح ضرورت نظامی را به‌عنوان توجیه نامحدود احیا کرد، نظر مشورتی ۱۹۹۶ بود که در آن دیوان بین‌المللی دادگستری مسئله‌ی استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را بررسی کرد.<sup>۳</sup> این نظر صریحاً ضرورت نظامی را به‌عنوان توجیهی نامحدود ذکر نکرد و فقط آن را تأیید کرد. با این وجود، به دلیل این تصمیم معروف ابهام‌آمیز که دیوان نگرانی مشروعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را دریافت، هیچ‌کس نمی‌تواند از بحث در خصوص ضرورت نظامی در این زمینه اجتناب کند.<sup>۴</sup> بخش مرتبط تصمیم معروف این نظر مشورتی دو قسمت بود. نخست، استفاده از سلاح‌های هسته‌ای بطور کلی مغایر با اصول و قوانین حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. دوم، با این وجود «دیوان نمی‌تواند بطور قطعی رأی دهد که آیا تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در شرایط حاد دفاع مشروع، که در آن بسیاری از بازماندگان یک کشور در خطر هستند، مشروع است یا نامشروع».<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> Gardam, supra note 117, p 8.

در این تالیفات، ضرورت نظامی در کنار شرط مارتنز قرار نمی‌گیرد اما همراه با شرط مارتنز به عنوان اصولی قرار می‌گیرد که زیاده‌روی‌های نظامی را در برقراری تعادل میان نگرانی‌های بشردوستانه و نظامی محدود می‌کند.

<sup>۲</sup> Gardam, supra note 117, p 70-73.

<sup>۳</sup> پرونده‌ی مشروعیت سلاح‌های هسته‌ای. اگرچه از دیوان درخواست شد که مشروعیت هم استفاده و هم تهدید سلاح‌های هسته‌ای را تعیین کند، این بحث در این فصل محدود به مشروعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای می‌شود.

<sup>۴</sup> Greenwood, supra note 412, p 263-264.

<sup>۵</sup> Legality of Nuclear Weapons case, supra note 358, para. 151.



در واقع، این نتیجه‌ی دو قسمتی می‌توانست تلویحاً به دیوان اشاره کند که ممکن است مواردی وجود داشته باشد که در آن‌ها استفاده از سلاح‌های هسته‌ای موجب نقض قوانین بشردوستانه نشود، اگرچه «بطور کلی» استفاده از این سلاح‌ها موجب نقض این قوانین می‌شود.<sup>۱</sup> با این وجود، دیوان مقرر داشته که «با توجه به وضعیت کنونی حقوق بین‌الملل» نمی‌توان تصمیم گرفت.<sup>۲</sup> این ایده‌ی خاص اجازه می‌دهد که نشان دهد منظور دیوان چیز دیگری بود. یک تفسیر احتمالی از این ایده این است که استفاده از سلاح‌های هسته‌ای «بطور کلی» مطابق حقوق بین‌الملل بشردوستانه غیرقانونی است؛ مگر اینکه توجیه خاصی برای این عمل نامشروع وجود داشته باشد. این تفسیر مسلماً منتهی به این سؤال می‌شود: این توجیه خشونت‌بار چه می‌تواند باشد؟ در خصوص قسمت اول ایده‌ی دیوان مقرر شده، این دلیل استثنایی، باید استثنایی معتبر در این شاخه‌ی خاص از حقوق، یعنی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، باشد.<sup>۳</sup>

در راستای این موضوع، در خصوص دو احتمال دیگر نیز بحث شده است. هر دو احتمال بطور ضمنی بر این استدلال اتکا می‌کنند که «هدف، وسیله را توجیه می‌کند»، موضوع تکراری اما دردسرساز ضرورت نظامی. نخست، برخی از قضات دیوان با اشاره به دفاع مشروع که بطور استثنایی نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه را توجیه می‌کند، از امکان تفسیر این تصمیم یا حمایت کرده و یا آن را نشان دادند. اگر این تفسیر صحیح باشد این موضوع در واقع در خصوص هدف و وسیله خواهد بود. از صحت هدف، یعنی دفاع مشروع، استفاده می‌شود تا نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در این ترکیب غیرعادی و انتقادی حقوق در جنگ و حقوق بر جنگ، بهبود بخشد. دوم اینکه، شخص می‌تواند، به دلیل وضعیت خاصی که به «بسیاری از بازماندگان کشوری» که در این ایده‌ی دیوان در خطر بودند داده شده، همچنان نشان دهد که این توجیه کاملاً از مشروعیت دفاع مشروع نشأت نمی‌گیرد؛ اما اگر این توجیه برای نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه با استفاده

<sup>1</sup> Greenwood, supra note 412, p. 264.

<sup>2</sup> Legality of Nuclear Weapons case, supra note 358, para. 151.

<sup>3</sup> اگرچه کوهن (Kohen) نیز وضعیت ضرورت را بررسی کرد و شرایطش را در مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت کشورها، قید کرد، اما مقرر شده که وضعیت ضرورت باید بی‌ارتباط محسوب شود. تفسیر ماده ۲۵ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت کشورها، این را آشکار می‌کند که وضعیت ضرورت در این ماده قصد ندارد که بحث‌های ضرورت نظامی را در حقوق بشردوستانه دربرگیرد.

از سلاح‌های هسته‌ای باشد، این استدلال همچنان پابرجاست که «هدف وسیله را توجیه می‌کند». هدفی که ارزیابی می‌شود، بقای کشور و وسیله‌ای که برای این هدف استفاده می‌شود، سلاح‌های هسته‌ای است. آنچه که در هر دو تفسیر دردرساز خواهد بود، پذیرش عملی این امر است که به کشورها این اختیار داده می‌شود زمانی که اقداماتشان را با یک هدف موجه تعقیب نمی‌کنند، قوانین حقوق بین‌الملل بشردوستانه را کنار بگذارند.

هدف این نیست که رضایت‌بخش‌ترین تفسیر تصمیم دیوان، در خصوص استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را تعیین کند. در واقع، کلیه‌ی تلویحات احتمالی که در بالا مشخص شد در یک شیوه یا شیوه‌ی دیگر رضایت‌بخش نیست. منظور این تحقیق این است که مثالی را بیان کند که در آن ضرورت نظامی به‌عنوان توجیهی نامحدود و دیدگاه قدیمی حقوق بین‌الملل، که در آن کشورها فرمانروای قانون هستند، کاملاً بی‌ارتباط به مفهوم معاصر آن نیست. این دیدگاه حقوق بین‌الملل که در پرونده‌ی مشروعیت سلاح‌های هسته‌ای مشاهده شد، به‌عنوان اصل لوتوس<sup>۱</sup> مورد بحث قرار گرفت.<sup>۲</sup> مسئله این نیست که این دیدگاه، اصل لوتوس یا ضرورت نظامی نامیده شود. آنچه باید شناخته شود، تنش عظیمی است که این دیدگاه برای حقوق بین‌الملل بشردوستانه ایجاد می‌کند.

### ۱-۲- مبانی تاریخی: ضرورت نظامی به‌عنوان توجیه

این فرضیه که ضرورت نظامی می‌تواند انحراف از قوانین سفت و سخت حقوق بین‌الملل را توجیه کند، ریشه‌هایش در دکترین "منطق جنگ"<sup>۳</sup> (ضرورت در جنگ، شیوه‌های جنگی را توجیه می‌کند)<sup>۴</sup> قرن ۱۹ آلمان، یافت می‌شود. پیش از جنگ جهانی اول، نویسندگان آلمانی اظهار داشتند که ضرورت بیش از حد می‌تواند الزام آور بودن قوانین جنگی را رد کند.<sup>۵</sup> مشخصاً، این توسعه‌ی ضرورت بر معیارهای حقوقی، زمانی توجیه شد که تنها وسیله‌ی اجتناب از خطر شدید

<sup>۱</sup> Lotus principle

<sup>۲</sup> این اصطلاحی است که از پرونده‌ی کشتی لوتوس (S.S. Lotus) دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی اتخاذ شده است.

<sup>۳</sup> Kriegsraison

<sup>۴</sup> geht vor Kriegsmanier

<sup>۵</sup> LASSA OPPENHEIM, INTERNATIONAL LAW: A TREATISE, Hersch Lauterpacht 7th ed, 1952, p 209.

نقض قوانین بود و یا اینکه مطابق قوانین می‌شد اهداف نهایی جنگ را به خطر انداخت.

مفهوم "دکترین منطقی جنگ" هرگز مورد قبول قرار نگرفت؛ اگرچه خطراتش برای نظم حقوقی آشکار بود. به‌عنوان مثال، پرسی بوردول<sup>۱</sup> در اثر خود در سال ۱۹۰۸ عنوان کرد که «با ارائه‌ی یک تفسیر موسع، این مفهوم به زودی کاملاً جایگاه قوانین جنگی را غصب خواهد کرد».<sup>۲</sup>

یهو روت<sup>۳</sup> رئیس انجمن حقوق بین‌الملل آمریکا، بطور مشابهی در نشست این سازمان در سال ۱۹۲۱ اظهار داشت که «یا دکترین منطقی جنگ باید قطعاً و سرانجام کنار گذاشته شود یا اینکه به جای آن جهان بدون قانون باقی خواهد ماند».<sup>۴</sup>

محاکمات جرایم جنگی که در پی جنگ جهانی دوم رخ داد، مطمئناً به این اظهارات خاتمه می‌دهد. در پرونده‌ی اسیر<sup>۵</sup> ژنرال آلمانی ادعا کرد که ضرورت نظامی اقداماتی از قبیل انتقام و قتل غیرنظامیان در زمان اشغال را توجیه می‌کند.<sup>۶</sup> دادگاه نظامی آمریکا این ادعا را رد کرد و مقرر داشت که:

ضرورت نظامی به هر یک از طرفین جنگ، مطابق قوانین جنگ، اجازه می‌دهد که هر میزان و هر نوع از زور را با کمترین اتلاف وقت، جان و مال، اعمال کند تا دشمن را وادار به تسلیم کامل کند. ضرورت نظامی نابودی جان دشمنان مسلح و اشخاص دیگری که نابودیشان توسط درگیری‌های مسلحانه‌ی جنگ غیرقابل اجتناب است را اجازه می‌دهد... اما کشتار اشخاص بی‌گناه، به‌منظور انتقام یا ارضای شهوت کشتن، را مجاز نمی‌داند. برای اینکه نابودی اموال قانونی باشد باید ضرورت‌های جنگ بطور آمرانه آن را مطالبه کنند. نابودی به‌عنوان یک هدف به خودی خود نقض حقوق بین‌الملل است. باید رابطه‌ی معقول و مناسبی میان نابودی اموال و غلبه‌ی نیروهای دشمن وجود داشته باشد. .. ما با این دیدگاه

<sup>1</sup> Percy Bordwell

<sup>2</sup> PERCY BORDWELL, THE LAW OF WAR BETWEEN BELLIGERENTS: A HISTORY AND COMMENTARY, 1908, p 5.

<sup>3</sup> Elihu Root

<sup>4</sup> Elihu Root, President, Am. Soc'y of Int'l Law, Opening Address at the Fifteenth Annual Meeting of the American Society of International Law (Apr. 27, 1921), in 15 AM. SOC'Y INT'L L. PROC, 1921, p 1- 3.

<sup>5</sup> The Hostage Case

<sup>6</sup> United States v. List (The Hostage Case), 11 TRIALS OF WAR CRIMINALS BEFORE THE NUREMBERG MILITARY TRIBUNALS UNDER CONTROL COUNCIL LAW NO. 10, 1950, p 1230 .

که قوانین جنگی چیزی کمتر از آنچه که آنها ادعا می کنند است، موافق نیستیم. ضرورت یا تناسب نظامی، نقض قوانین موضوعه را توجیه نمی کند. حقوق بین الملل حقوق منع کننده است.

هیچ مبنایی در حقوق بین الملل معاصر یا عرف وجود ندارد که نظر مخالفی دهد؛<sup>۱</sup> «دکترین منطقی جنگ» به سادگی، با اجرای حقوق بین الملل بشردوستانه در دنیای امروز ناسازگار است.<sup>۱</sup> با این وجود، مبانی تاریخی ضرورت نظامی به عنوان توجیهی برای انحراف از حمایت کامل از اشخاص و اهداف غیرنظامی در طول جنگ، بطور کامل صورت می گیرد و در کل مجموعه قوانین حقوق بین الملل بشردوستانه منعکس می شود. اگرچه انحراف از معیارهای تأسیس شده ی حقوقی مبتنی بر ضرورت نظامی، مجاز نیست، متعادل کردن ضرورت نظامی و بشردوستی، حقوق بین الملل معاصر را هم در مفهوم کلی و هم در مفهوم خاص تحت الشعاع قرار می دهد.

### ۱-۳- اصول ضرورت نظامی و بشردوستی در قوانین<sup>۲</sup>

اصل ضرورت نظامی در قوانین مدون به ندرت دیده می شود. در ابتدا به شکل شناخته شده ای در قانون لیبر ۱۸۶۳،<sup>۳</sup> که نیروهای نظامی را در طول جنگ داخلی آمریکا ملزم می کرد، مشاهده شد. ماده ی این قانون در مورد ضرورت نظامی معیاری را برای توسعه ی بعدی این اصل فراهم کرد:

**ماده ۱۴.** ضرورت نظامی، چنانکه توسط دولت های متمدن جدید استنباط شد، شامل معیارهایی ضروری می شود که برای تضمین اهداف جنگ کاملاً ضروری هستند و بر اساس قوانین جدید و عرف جنگی، قانونی هستند.

<sup>۱</sup> H. McCoubrey, *The Nature of the Modern Doctrine of Military Necessity*, 30 REVUE DE DROIT MILITAIRE ET DE DROIT DE LA GUERRE, 1991, p 215.

<sup>۲</sup> Lex Scripta

<sup>۳</sup> توجه داشته باشید که قانون لیبر یک قانون داخلی بود نه یک معاهده. با این وجود، آن مبنایی برای حقوق بین الملل بشردوستانه جدید بود. برای اطلاعات بیشتر در خصوص قانون لیبر و ضرورت نظامی، مشاهده کنید:

Burrus M. Carnahan, *Lincoln, Lieber and the Laws of War: The Origins and Limits of the Principle of Military Necessity*, 92 AM. J. INT'L L. 1998, p 213 .

**ماده ۱۵.** ضرورت نظامی، کلیه‌ی نابودی‌های مستقیم جان یا اعضای بدن دشمنان مسلح و اشخاص دیگری که نابودی آن‌ها در درگیری‌های مسلحانه در حین جنگ، اجتناب‌ناپذیر است را مجاز می‌داند. ... دست به اسلحه بردن اشخاص علیه یکدیگر در جنگ، مانع از این نیست که این اشخاص اخلاق‌گرا، مسئول در برابر اشخاص دیگر و مسئول در برابر خداوند باشند.

**ماده ۱۶.** ضرورت نظامی ظلم، یعنی تحمیل درد و رنج غیر ضروری و رنج یا به‌منظور انتقام، را نمی‌پذیرد و بطور کلی، ضرورت نظامی هیچ عملیات خصمانه‌ای، که به صلحی بازمی‌گردد که غیر ضروری و دشوار است، را نمی‌پذیرد.

می‌بینیم که چگونه ملاحظات بشردوستانه‌ی قانون لیبر هرگونه اجرای ضرورت نظامی را متعادل می‌کند. به‌عنوان مثال ماده ۱۴ هر نوع نابودی که برای دستیابی به اهداف جنگی ضروری است را بررسی می‌کند؛ اما تنها تا حدی که این اقدامات مطابق با قوانین تأسیس‌شده‌ی معیارهای جنگی باشند. همچنین، اگرچه ماده ۱۵ مسلم بودن ضرر به غیر مبارزان، نه مبارزان، را پیش‌بینی می‌کند اما این ضرر را بطور ضمنی و قابل اجتناب، محدود می‌کند. ماده ۱۶ این ادعا، که کلیه‌ی حملات به مبارزان صحیح است چون با این شرط که این حملات ظالمانه نیستند و ضروری می‌باشند، را محدود می‌کند.

در مقابل، حقوق بین‌الملل بشردوستانه انحراف از قانونی که ریشه در بشردوستی داشت را بر مبنای ضرورت نظامی بررسی می‌کند. به‌عنوان مثال، کنوانسیون چهارم لاهه نابودی یا توقیف اموال دشمن را منع می‌کند مگر اینکه «ضرورت‌های جنگ، الزاماً آن را خواسته باشد».<sup>۱</sup> کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ قدرت‌های اشغالگر را از نابودی برخی اموال منع می‌کند «مگر جایی که چنین نابودی اساساً توسط عملیات نظامی ضروری باشد».<sup>۲</sup> حمایت‌هایی که از میراث فرهنگی در کنوانسیون میراث فرهنگی لاهه ۱۹۵۴ شده ممکن است «در پرونده‌هایی که در آن‌ها ضرورت

<sup>۱</sup> مشاهده کنید کنوانسیون چهارم لاهه، بالا، زیرنویس ۲۹۷، ماده (ج) ۲۳.

<sup>۲</sup> کنوانسیون ژنو در خصوص حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ ماده ۵۳، ۱۲ آگوست ۱۹۴۹. کنوانسیون ژنو در خصوص رفتار زندانیان جنگ ماده ۱۲۶، ۱۲ آگوست ۱۹۴۹. براساس این کنوانسیون‌ها، نابودی گسترده یا توقیف اموال زمانی که «با ضرورت نظامی توجیه نشود و بطور غیرقانونی و عمدی صورت گیرد» نقض آشکار است. همچنین علیرغم شرایطی سخت، محدودیت‌هایی را بر جبران خسارت زندانیان براساس ضرورت نظامی اجازه می‌دهد.

نظامی الزاماً مستلزم چنین چشم‌پوشی هستند»، کم باشد.<sup>۱</sup>

پروتکل الحاقی شماره ۱ سال ۱۹۷۷ اقدامات زیر را در صورت «ضرورت نظامی الزامی» اجازه می‌دهد: لغو ممنوعیت استراتژی «زمین سوخته»<sup>۲</sup> در کشور تحت کنترل عضو پروتکل؛ استفاده از «امکانات و ساختمان‌های واحدهای نظامی که بطور دائمی به سازمان‌های دفاعی غیرنظامی واگذار شدند»؛ و محدود کردن اقدامات دفاعی غیرنظامی و غرامت پرسنل. این مثال‌ها نشانگر این است که حتی زمانی که در اسناد حقوق بین‌الملل بشردوستانه صریحاً ذکر شد نیز، ضرورت نظامی همواره در سایه‌ی نگرانی‌های بشردوستانه عمل می‌کند.

بطور قابل توجهی، ضرورت نظامی اصل تمایز را، که با یکی از دو اصل «اساسی» حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده‌ی سلاح‌های هسته‌ای مشخص می‌شود، محدود می‌کند.<sup>۳</sup> این اصل حقوقی عرفی، که در ماده ۴۸ پروتکل الحاقی شماره ۱ منعکس شده، طرفین را ملزم می‌کند که «در هر زمان میان غیرنظامیان و نظامیان (مبارزان) و میان اهداف غیرنظامی و نظامی، تمایز قائل شوند».<sup>۴</sup> مواد ۵۱ و ۵۲ تمایز را در زمینه‌ی ضرورت نظامی عملی می‌کنند؛ بنابراین، درحالی که ماده ۵۱ حمله به غیرنظامیان را ممنوع می‌کند، آنهایی که در درگیری (جنگ) شرکت می‌کنند حمایت مذکور را به دلیل «نقش مستقیمی که در خصومت‌ها دارند» از دست می‌دهند. ماده ۵۲ نیز حمله به اهدافی که «اهداف نظامی» نیستند را منع می‌کند، اما تأیید می‌کند که اهداف غیرنظامی می‌توانند اهداف نظامی شوند زمانی که «با ماهیت، مکان، هدف یا استفاده از آن‌ها»، این اهداف «نقش مؤثری در عملیات نظامی داشته باشند» و «نابودی، توقیف یا خنثی‌سازی کامل آن‌ها، در شرایط حاکم بر آن زمان، یک منفعت نظامی قطعی را ارائه دهد».<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> کنوانسیون راجع به حمایت از میراث فرهنگی در زمان درگیری‌های مسلحانه ۱۹۵۴. ماده ۴.

<sup>۲</sup> زمین سوخته (scorched earth) استراتژی نظامی است که طی آن کلبه‌ی خانه‌ها، محصولات، کارخانه‌ها و ... موجود در منطقه، عمدتاً نابود می‌شود تا دشمن (کشور اشغالگر) نتواند از آن استفاده کند.

<sup>۳</sup> Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, 1996 I.C.J.p 226,257 (July 8).

<sup>۴</sup> پروتکل الحاقی اول، بالا، زیرنویس ۲۹۴، ماده ۴۸؛ همچنین مشاهده کنید وزارت نیروی دریایی، کتابچه فرمانده در زمینه قوانین نیروی دریایی بند ۸، ۱ (۲۰۰۷) قابل مشاهده در سایت: <http://tinyurl.com/yerq4lo>

<sup>۵</sup> همان، ماده ۵۲ (۲).

ضرورت به‌عنوان عامل محدودکننده در اصل اساسی دوم، یعنی درد و رنج غیر ضروری، نیز ظاهر می‌شود که بطور ضمنی ماهیت مشروع سلاح‌هایی که از نظر نظامی درد و رنج ضروری ایجاد می‌کنند، را به رسمیت می‌شناسد.<sup>۱</sup>

در مثال‌های مذکور، محدود کردن، خواه صریح و خواه ضمنی، قواعد عمومی بر مبنای ضرورت نظامی آشکار است؛ اما بررسی اکثر قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به‌ویژه آنهایی که بر رفتار متخاصمین حاکم است، حساسیت ثابتی را نسبت به تعادل میان ضرورت نظامی و بشردوستی آشکار می‌کند. به‌عنوان مثال مهاجم ممکن است چند هدف نظامی را در منطقه‌ای که جمعی از غیرنظامیان حضور دارند به‌عنوان هدف نظامی مستقل (منطقه یا محله بمب گذاری شده) بررسی کند زیرا اهداف «مجزا و متمایز» هستند، زمانی که ممکن است شخصاً به آن‌ها حمله کند.<sup>۲</sup> به‌عنوان اهداف قانونی، نابودی آن‌ها از نظر نظامی ضروری است، اما اهداف بشردوستانه که ضرر به غیرنظامیان را محدود می‌کند، گزینه‌های تاکتیکی را به‌عنوان حکم قانونی دستور می‌دهد.

نیاز به گزینه‌های تاکتیکی خاص، وسیله‌ی رایج حفظ بشردوستی، در زمان رفتار خصومت‌آمیز است. اگر اهداف عملی دیگری وجود داشته باشند که «یک منفعت نظامی مشابه» را با «خطر کمتر برای جان غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی» پیشنهاد دهد، مهاجمان نمی‌توانند یک هدف نظامی را هدف قرار دهند.<sup>۳</sup> آن‌ها باید همچنین میان تاکتیک‌ها و سلاح‌ها (شیوه‌ها و ابزار)، با در نظر گرفتن «اجتناب و کاستن از، نابودی اتفاقی جان غیرنظامیان، صدمه به غیرنظامیان و خسارت به اهداف غیرنظامی»، انتخاب کنند.<sup>۴</sup> وجود گزینه‌ها به «عملی بودن» گزینه‌ها بستگی دارد که بدینوسیله نشان می‌دهد که «احتیاط در حمله» یک صلح مورد توافق میان عوامل نظامی و بشردوستانه ایجاد می‌کند.<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> همان، ماده ۳۵ (۲).

<sup>۲</sup> پروتکل الحاقی اول، بالا، زیرنویس ۲۹۴، ماده ۵۱ (۵) (الف).

<sup>۳</sup> همان، ماده ۵۷ (۳).

<sup>۴</sup> همان، ماده ۵۷ (۲).

<sup>۵</sup> مشاهده کنید همان، ماده ۵۷ (۲) (الف). عبارت «احتیاطات ممکن» بطور کلی به‌عنوان «احتیاطاتی استنباط می‌شود که کاربردی هستند یا عملاً کلیه‌ی شرایط حاکم بر زمان، از جمله ملاحظات بشردوستانه و نظامی، را در نظر می‌گیرند». پروتکل

آشکارترین برقراری تعادل، در اصل تناسب دیده می‌شود. این اصل عرفی حقوقی که در ماده ۵۱ پروتکل الحاقی شماره ۱ مقرر شده، اگر «احتمال داده شود که حمله، سبب از بین رفتن اتفاقی جان، صدمه به غیرنظامیان، خسارت به اهداف غیرنظامی، یا ترکیبی از این موارد شود که ممکن است در رابطه با منافع نظامی پیش‌بینی شده‌ی واقعی و مستقیم، افراط‌گرایانه باشد»، تناسب، حمله را به‌عنوان امری ناعادلانه منع می‌کند.<sup>۱</sup> انعطاف و برداشتن ضرورت نظامی و بشردوستی، در ماهیت نسبی عبارت «افراط‌گرایانه» آشکار است.<sup>۲</sup> حتی خسارات غیرعمدی جزئی ناشی از جنگ، اگر هدف نظامی مورد نظر مهاجم ناچیز (غیر مهم) باشد، می‌تواند یک حمله‌ی قانونی را منع کند، درحالی که اگر منافع نظامی مشابه قابل توجه باشد، حجم زیادی از خسارات غیرعمدی می‌تواند توجیه شود.

ممنوعیت یا محدودیت استفاده از سلاح‌های آتش‌زا (پروتکل شماره ۳) ماده ۱ (۵)، ۱۰ اکتبر ۱۹۸۰، همچنین مشاهده کنید پروتکل اصلاحی راجع به ممنوعیت یا محدودیت استفاده از مین‌ها، تله‌های انفجاری و وسایل دیگر (پروتکل اصلاحی شماره ۲) ماده ۳ (۱۰)، ۳ ماه مه ۱۹۹۶. برخی کشورها بطور مشخص این معیار را به‌عنوان تفسیر آن‌ها از اصطلاحی که پروتکل الحاقی شماره ۱ را تایید می‌کرد، پذیرفتند. مشاهده کنید به‌عنوان مثال نامه‌ای از کرریستوفر هالس (Christopher Hulse)، سفیر بریتانیا در سوئیس، به دولت سوئیس (۲۸ ژانویه ۱۹۹۸) قابل مشاهده در سایت: <http://www.icrc.org/nsf/NORM/0A9E03F0F2EE757CC1256402003FB6D2?OpenDocument> حق شرط بریتانیا و اعلامیه‌ی پروتکل الحاقی شماره ۱ را فهرست می‌کند و توضیح می‌دهد که بریتانیا عبارت «احتمالی» را به این صورت استنباط می‌کند که در این پروتکل بدین منظور استفاده شده که کاربردی با احتمالاً کاربردی باشد و کلیه‌ی شرایط حاکم بر زمان، از جمله ملاحظات بشردوستانه و نظامی، را در نظر بگیرد.

<sup>۱</sup> پروتکل الحاقی شماره ۱، بالا، زیرنویس ۲۹۴، ماده ۵۱ (۵) (ب)؛ همچنین مشاهده کنید قانون دیوان بین‌المللی کیفری ماده ۸ (۲) (ب) (۳)، ۱۷ جولای ۱۹۹۸؛ پروتکل الحاقی شماره ۱، بالا، زیرنویس ۲۹۴، ماده ۵۷ (۲).

<sup>۲</sup> توجه داشته باشید که تفسیر غیرالزام‌آور کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ به این مقررات پیشنهاد می‌کند که «پروتکل هیچ توجیهی برای حملاتی که ضررها و خسارات غیرنظامی گسترده‌ای ایجاد می‌کنند، مقرر نمی‌کند. ضررها و خسارات اتفاقی هرگز نباید گسترده باشند». هیچ مبنایی در عرف یا قوانین برای این نظر، که نشانگر تأکیدی نامتناسب بر جنبه‌ی بشردوستی این تعادل، که بدون توجه به منافع نظامی تحصیل شده از طریق حمله اجرا می‌شود، می‌باشد، وجود ندارد. مخالفت آن مثالی در قانون دیوان بین‌المللی کیفری است که صفت «بطور آشکار» را به عبارت «بیش از حد» می‌افزاید، تا ممنوعیت خیلی کم نباشد. قانون دیوان بین‌المللی کیفری، بالا، زیرنویس ۳۱۷، ماده ۸ (۲) (ب) (۳).



گاهی اوقات تعادل صریح یا ضمنی میان ضرورت نظامی و بشردوستی ممکن است غیرمنطقی به نظر برسد چنانکه یا ضرورت نظامی یا بشردوستی باید استناد شوند تا قوانین موجود را دوباره متعادل کنند؛ اما هر یک از این متعادل‌کننده‌ها بدون توجیه خواهند بود اگر تعادل جدید متفاوت از آن تعادلی باشد که کشورها بر آن توافق کرده‌اند. مثال معروف، شامل رفتار سرباز دشمن که توسط واحد نظامی ویژه‌ی پشت خط دشمن اسیر شد، می‌گردد. اگرچه این واحد نظامی نمی‌تواند مأموریت خود را با زندانی به زنجیر بسته انجام دهد، استنباط می‌شود که این سرباز اگر آزاد شود خطرناک خواهد بود. پاسخ منطقی کشتن وی است؛ با همه‌ی اینها، او دشمن است اما به خاطر اسارت، موضوع حمله‌ی سریع مرگبار می‌باشد.

اما حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیروهای نظامی اسیرشده‌ی دشمن را به‌عنوان *ازکارافتاده*<sup>۱</sup> مشخص می‌کند و آن‌ها را از حمله، که در حقوق بین‌الملل بشردوستانه تعریف شده، و هرگونه اعمال خشونت‌آمیز علیه دشمن را در برمی‌گیرد، محافظت می‌کند.<sup>۲</sup> بنابراین، این واحد نظامی نمی‌تواند به سرباز اسیرشده صدمه بزند؛ این واحد یا باید مأموریت خود را متوقف کند و با اسیر به پایگاه برگردد یا به شکلی از او محافظت کند که در نهایت به وی اجازه می‌دهد بدون آسیب فرار کند. به نظر غیرمنطقی می‌آید، اما این قاعده توازنی قانونی میان ضرورت نظامی و بشردوستی را منعکس می‌کند و هیچ تغییری مجاز نیست.

#### ۱-۴- ضرورت نظامی آن چنانکه توسط حقوق بین‌الملل محدود شده است:

شاید اصلی‌ترین محدودیت ضرورت نظامی مفهوم «تناسب» باشد.<sup>۳</sup> این اصل مستلزم این است که کشور متخاصمی که راجع به استفاده از ارتش فکر می‌کند، بررسی کند که آیا «ابزار خاص» «متناسب با هدف نظامی مشروع» هستند یا خیر.<sup>۴</sup>

مفهوم تناسب در کتاب راهنمای ارتش آمریکا در میدان نبرد ۱۰-۲۷ ذکر شده است که مقرر

<sup>۱</sup> hors de combat

<sup>۲</sup> پروتکل الحاقی شماره ۱، بالا، زیرنویس ۲۹۴، ماده ۴۹.

<sup>۳</sup> O'Brien, Some Problems of the Law of War in Limited Nuclear Warfare, 14 MIL. L. REV. 1, 7 (1961).

<sup>۴</sup> ibid.

می‌دارد: «از بین رفتن جان و ضرر به مال باید متناسب با منافع نظامی باشد که به دست آمده».<sup>۱</sup> این عبارت پیشنهاد می‌کند که یک افسر نظامی باید تعیین کند که آیا تخریب و نابودی که با استفاده از سلاح خاص ایجاد شده، منجر به دستیابی نسبتاً ارزشمند به اهداف نظامی خواهد شد یا خیر.<sup>۲</sup> عنصر اصلی در این تعیین، تمایز بین نظامیان و غیرنظامیان است.<sup>۳</sup> اگر اهداف نظامی دشمن در مناطق غیرنظامی واقع شده باشند، افسر نظامی باید رابطه‌ی تناسب بین امکان ورود جراحت به شهروندان غیرنظامی و ارزش حمله به تأسیسات نظامی را ارزیابی کند.<sup>۴</sup>

مفسرینی مانند مک دوگال و فلیسیانو به مدت طولانی در مورد ضرورت نظامی و تناسب بحث کرده‌اند.<sup>۵</sup> در جدال با مسئله‌ی قلمرو ضرورت در وضعیت‌های خاص، آن‌ها اظهار داشتند: می‌توان گفت که این مفهوم (ضرورت نظامی) چنین نابودی را اجازه می‌دهد و تنها چنین نابودی، ضروری، مرتبط و متناسب با درک فوری اهداف مشروع دشمن است. چون در عمل، نمی‌توان میزان نابودی ضروری را اندازه گرفت و دقیقاً محاسبه کرد، سیاست اصلی که در این مفهوم پذیرفته شده باید معمولاً به‌عنوان محدودکننده‌ی نابودی غیرضروری چیزهای مهم، عنوان شود.<sup>۶</sup>

آن‌ها بر این نظر تأکید داشتند که دول متخاصم باید تنها از کمترین میزان زور در تلاش برای دستیابی به اهداف نظامی خود استفاده کنند، که بدین وسیله از خسارات غیرضروری به شهروندان کشور دشمن اجتناب می‌کنند.

رفاه غیرنظامیان به مدت طولانی یکی از نگرانی‌های حقوق بین‌الملل بوده است. در سال ۱۹۶۸، مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای را تصویب کرد که مقرر می‌داشت غیرنظامیان نمی‌توانند هدف مستقیم حمله‌ی نظامی قرار گیرند.<sup>۷</sup> کشوری که یک نبرد نظامی را آغاز می‌کند

<sup>1</sup> Law of Land Warfare, supra note 6, at 19.

<sup>2</sup> Mallison, The Laws of war and the Juridical Control of weapons of Mass Destruction in General and Limited Wars, 36 GEO. Wash.L. REW., 308,322-23 (1967).

<sup>3</sup> Ibid.

<sup>4</sup> Ibid.

<sup>5</sup> McDougal & Feliciano, International Coercion and World Public Order The General Principles of the Laws of War, 67 YALE L.J. 771 (1958).

<sup>6</sup> ibid.at 826-27.

<sup>7</sup> G.A. Res. 2444, 23 U.N. GAOR Supp. (No. 18) at 50, para.1(b), U.N. Doc. A/7218 (1968).

باید دقیقاً بین شهروندان نظامی و غیرنظامی دشمن تفاوت بگذارد.<sup>۱</sup>

اگرچه قبل از سال ۱۹۶۸ قطعنامه‌ی سازمان ملل متحد تصویب شد، جامعه‌ی بین‌المللی نیاز به حمایت از غیرنظامیان را به رسمیت شناخته بود، کنوانسیون لاهه ۱۹۰۷ اعلام کرد که «حق متخاصمین برای پذیرش وسایل آسیب به دشمن نامحدود نیست».<sup>۲</sup> در سال ۱۹۲۴ جان بست مور<sup>۳</sup> تمایز بین نظامیان و غیرنظامیان را به‌عنوان «اصل بسیار مهم قوانین جدید جنگی» توصیف کرد.<sup>۴</sup> حتی در قانون لیبر، امنیت غیرنظامیان که تأیید شد، یک نگرانی مشروع می‌باشد. لیبر اصل ضرورت نظامی را به «از بین رفتن جان یا عضو از اعضای بدن اعضای مسلح دشمن» محدود می‌کند. ماده ۱۹ اشاره می‌دارد که قبل از بمب‌گذاری منطقه باید هشدار داده شود، طوری که غیرنظامیان بتوانند منطقه را بطور ایمن و بدون خطر ترک کنند.

کمی پس از تصویب قانون لیبر توسط آمریکا، اعلامیه‌ی سن پترزبورگ در سال ۱۸۶۸ از این ایده حمایت کرد که شهروندان غیرنظامی هدف حمله قرار نگیرند. این اعلامیه در بخشی مقرر می‌دارد:

تنها هدف مشروعی که کشورها باید تلاش کنند تا در طول جنگ انجام دهند این است که نیروی نظامی دشمن را تضعیف کنند؛ برای این هدف کفایت بیشترین تعداد افرادی که می‌توانند را مصدوم کنند؛ این هدف با بکارگیری افرادی که بطور غیرضروری درد مصدومان را شدیدتر، یا مرگ آن‌ها را قطعی می‌کنند، بیشتر می‌شود...<sup>۵</sup>

این اعلامیه تأکید می‌کند که جنگ تمایل دارد که یک عملکرد صرفاً نظامی باشد. معروف است که حقوق بین‌الملل حملات غیردقیق و غیرضروری به جمعیت غیرنظامی را مجاز نمی‌داند. طبیعتاً پیرو این نظر نتیجه این است که حمله به مرکز جمعیت غیرنظامی، عملیات تروریستی است.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> ibid. at para. 1(c).

<sup>۲</sup> کنوانسیون لاهه در خصوص قوانین و عرف جنگ زمینی، ۱۱، فصل ۱، ماده ۲.

<sup>۳</sup> John Bassett Moore

<sup>۴</sup> MOORE, INTERNATIONAL LAW AND SOME CURRENT ILLUSIONS AND OTHER ESSAYS viii (1924).

<sup>۵</sup> St. Petersburg Declaration, 1868. 95-96 (1907).

<sup>۶</sup> Paust, supra note 5, at 168; Wright, the Bombardment and Damascus, 20 Am. J. INT'L L. 263, 273 (1926).

گزارش برایس<sup>۱</sup> در سال ۱۹۱۴ بطور آشکاری مقرر می‌دارد که قتل افراد بی‌گناه، که از حملات به مراکز جمعیت غیرنظامی نشأت می‌گیرد، «اقدامی مطلقاً ممنوع توسط قوانین جنگی» است. آقای لوترپت<sup>۲</sup> با تأیید مجدد این نظر اعلام کرد که غیرنظامیان، به‌عنوان موضوعی از قانون، هرگز نباید هدف حمله باشند و این بمب‌گذاری‌های غیردقیق عملیات تروریستی محسوب می‌شود.<sup>۳</sup> در سال ۱۹۴۹ چهارمین کنوانسیون ژنو مشخصاً استفاده از کلیه‌ی معیارهای تروریستی از جمله کشتار دسته‌جمعی غیرنظامیان توسط کشور متخاصم، را منع کرد.<sup>۴</sup>

### بطور خلاصه، می‌توان این بخش از این ماده را چنانکه در جنگ معمول صورت می‌گیرد، مفاهیم حقوقی ذیل برشمرد:

- ضرورت نظامی با اصل تناسب محدود می‌شود.
- اصل تناسب به‌عنوان متعادل‌کننده‌ی ارزش اهداف نظامی کسب شده در برابر خسارات بالقوه به اموال و از بین رفتن جان تعریف می‌شود.
- غیرنظامیان موضوع تجاوز غیرضروری کشور دشمن، قرار نمی‌گیرند.
- میزان زوری که توسط کشور دشمن اعمال می‌شود نباید بطور غیرضروری درد ورنجی که ممکن است به نظامیان کشور اشغالی وارد شود را افزایش دهد.
- حمایت از جوامع بین‌المللی علیه نقض عرف و قوانین جنگی بین‌المللی، اهمیت بیشتری نسبت به اهداف نظامی و سیاسی هر کشوری، دارد.
- هرگونه حمله‌ی عمدی و غیردقیق به جمعیت غیرنظامی یک کشور توسط کشور متخاصم، باید یک عملیات تروریستی و ناقض قوانین و عرف بین‌المللی، تلقی شود.

<sup>۱</sup> The Bryce Report

<sup>۲</sup> Sir Lauterpacht

<sup>۳</sup> Lauterpacht, The Problem of the Recision of the Law of War. 29 BRIT. Y.B. INT'L L. 360, 365-69 (1952).

<sup>۴</sup> کنوانسیون ژنو در خصوص حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ، ۱۲ آگوست ۱۹۴۹، ماده ۳ (I).

## ۲- اصل ضرورت نظامی در حقوق بشردوستانه و بررسی به کارگیری وسایل و روش‌های منع شده در جنگ عراق علیه ایران

### ۲-۱ نقض قوانین و مقررات مربوط به منع کاربرد سلاح‌های ممنوعه توسط عراق

مقررات قانونی بین‌المللی درگیری‌های مسلحانه الزاماً شامل محدودیتی بر صلاحیت حاکم بر دولت‌ها در اعمال زور در راستای دفاع از منافعشان می‌شود. بطور واضح، جایی که منافع حیاتی و احتمالاً وجود دولت‌ها در خطر باشد، واقع‌گرایانه نیست که مطالبات عملی شرایط، در اجرای قوانین نادیده گرفته شود. بطور تاریخی دکتورین ضرورت نظامی در تعریف شرایط تعادل میان واقعیات اقدامات زورمندانه و محدودیت‌های بشردوستانه اهمیت اساسی داشته است.

اصل ضرورت نظامی وسیله‌ای نیست که توسط آن بتوان از قوانین جنگی اجتناب کرد. اگرچه ضرورت نظامی استفاده از خشونت را برای وادار کردن دشمن به تسلیم مجاز دانسته، این دکتورین تنها خشونت «تنظیم‌شده» را مجاز می‌داند نه خشونتی که توسط قوانین و عرف جنگی ممنوع است؛ به عبارت دیگر قواعد کلی ضرورت این است که متخاصمین ممکن است ابزاری که برای دستیابی به اهدافشان لازم است را بکار گیرند اما اگر چنین اقدامی توسط قواعد حقوق بین‌الملل پذیرفته نشود، ضرورت نظامی این رفتار را توجیه نمی‌کند.<sup>۱</sup> خشونت کنترل شده عموماً به‌عنوان نوعی خشونت در نظر گرفته می‌شود که معطوف به عمل مقامات ارشد بوده و یا توسط این مقامات جنبه قانونی می‌یابد و هدف از آن این است که نفرات دشمن را تا حداکثر میزان ممکن ناتوان نماید ولی تأثیر نظامی آن نامتناسب با رنجی که به بار می‌آورد نمی‌باشد.

در جریان جنگ هشت‌ساله، دولت عراق با کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای نظامی و غیرنظامی ایران (حتی علیه اتباع خود در شهر حلبچه) ممنوعیت‌های مندرج در اسناد مزبور (پروتکل ۱۹۲۵) را نقض کرد. ارتش عراق در مناطق مختلف عملیاتی و حتی مسکونی از به‌کارگیری انواع عوامل شیمیایی مانند گازهای خردل، تاولزا، فسفر، اعصاب، ناتوان‌کننده،

<sup>1</sup> Paust, The Nuclear Decision in World War I-Truman's Ending and Avoidance of War, 8 INTL LAW, 1974, p 160, 172.

نیتروژن، ترکیب‌های خردلی و خون، سیانور، خفه‌کننده و... از طریق هواپیماها، توپخانه‌ها و شلیک انواع گلوله‌های شیمیایی دریغ نکرد. از آنجایی که به این موضوع به حد کافی در کتب، مقالات و همچنین پایان‌نامه‌های متعدد پرداخته شده، اجمالاً فقط به یکسری از مطالب اشاره می‌شود.

نخستین گزارش مربوط به استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی مربوط به روزهای اولیه جنگ می‌باشد<sup>۱</sup> پس از آن و از اواسط سال ۱۳۶۲ که ایران برتری نظامی خود را در بسیاری از جبهه‌ها بر عراق تحمیل نمود، ارتش عراق به این نکته واقف گردید که نمی‌تواند با استفاده از شیوه‌های و تسلیحات متعارف و معقول نظامی مانع پیشروی ارتش ایران گردد و لذا سعی در توسل به سلاح‌های نامتعارف برای زمین‌گیر کردن ارتش ایران نموده است. بمباران شیمیایی مناطق غیر نظامی شهرهای بانه، سردشت، پیرانشهر و برخی از روستاهای خوزستان نشان دهنده عدم پابندی عراق به قواعد حقوق مخاصمات مسلحانه مربوط به حمایت از نظامیان و غیر نظامیان می‌باشد. پس از آن در مقاطع مختلف زمانی، دولت عراق بارها علیه نیروهای ایران از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد.

واکنش شورای امنیت در برابر گزارش راجع به اقدام تخلف آمیز عراق، تنها صدور بیانیه در تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۸۴ بود. در این بیانیه، شورا به کارگیری سلاح‌های شیمیایی را که هیئت کارشناسان آن را گزارش کرده بودند به شدت محکوم کرد و خواستار رعایت پروتکل ۱۹۲۵ از سوی دو طرف مخاصمه شد. در این بیانیه، شورا هیچ اشاره‌ای به نام عراق - که مطابق گزارش مرتکب کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی شده بود - نکرد و به این ترتیب، با عدم توجه جدی خود به قضیه، دست این دولت را در ارتکاب جنایات بعدی خود باز گذاشت.

حتی خود مقامات عراقی نیز کاربرد سلاح‌های شیمیایی را رد نکردند و در اظهارات و سخنرانی‌های خود، تلویحاً و تصریحاً استفاده از سلاح‌های شیمیایی را در جنگ به منزله یک حق برای خود محفوظ دانستند. برای نمونه، در همان زمان، هاشم صباح الفخری، ژنرالی که فرمانده

<sup>۱</sup>عباس هدایتی خمینی؛ شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰، ص ۱۸۰.

عملیات شمال بصره را بر عهده داشت، در مصاحبه با خبرنگاران اظهار کرد که کشورش این حق را برای خود محفوظ نگاه می‌دارد که از سلاح شیمیایی استفاده کند.<sup>۱</sup> در طول جنگ مناطق مسکونی در نوار مرزی ایران نیز از حملات شیمیایی ایمن نماند و روستاهای اطراف بانه (فروردین ۶۶)، شهر حلبچه (اسفند ۶۶)، روستاهای اطراف مریوان (اسفند ۶۶ و فروردین ۶۷)، شهر نودشه (فروردین ۶۷)، روستاهای اطراف سرپل ذهاب (مرداد ۶۷) و شهر اشنویه (مرداد ۶۷) مورد تهاجم با سلاح شیمیایی قرار گرفتند و حتی در برخی مناطق صدها بمب شیمیایی بر سر مردم بی‌پناه ریخته شد.

دولت صدام در طول جنگ حتی به بیمارستان‌ها نیز رحم نکرد و سلاح شیمیایی، بیمارستان صحرائی حضرت فاطمه<sup>ؑ</sup> در آبادان (ششم و هشتم اسفند ۱۳۶۴) و بیمارستان صحرائی ۵۲۸ سومار (دهم دی‌ماه ۱۳۶۵) را در هم نوردید. تجهیزات پزشکی نظامی با کنوانسیون اول و دوم ژنو و بیمارستان‌های غیرنظامی با کنوانسیون چهارم ژنو حمایت می‌شوند. با این وجود کلیه مقررات مرتبط، براساس ضرورت نظامی استثنائاتی را مجاز می‌دانند: «ضرورت نظامی فوری» استفاده از تجهیزات پزشکی نیروهای مسلح را به منظور اهداف غیرپزشکی مجاز می‌داند؛<sup>۲</sup> واحدهای پزشکی و تأسیسات نیروهای مسلح باید با علامت‌های ویژه اما تنها «تا جایی که ملاحظات نظامی اجازه می‌دهد» متمایز شوند؛<sup>۳</sup> چنین تعهدی در خصوص بیمارستان‌های غیرنظامی نیز «تا جایی که ملاحظات نظامی اجازه می‌دهد» نیز وجود دارد.<sup>۴</sup>

اما عراق بدون هیچ منفعت ضروری نظامی و با به کار بردن سلاح‌ها و روش‌های ممنوعه به این اقدام دست زد، در حالی که در شرایط و قیود اصل ضرورت نظامی بیان شد که باید آن اقدام برای یک هدف نظامی مشروع باشد و هم آن عمل و اقدام نظامی که به آن مبادرت می‌شود، باید مجاز باشد؛ اما اقدام عراق به بمباران این بیمارستان‌ها آن‌هم با بمب‌های شیمیایی به هیچ عنوان قابل

<sup>۱</sup> Newyourk times (5 March 1984).

<sup>۲</sup> کنوانسیون ژنو در خصوص بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران عضو در نیروهای مسلح در میدان نبرد (کنوانسیون اول ژنو)، ماده

۳۳.

<sup>۳</sup> کنوانسیون اول ژنو، ماده ۴۲.

<sup>۴</sup> کنوانسیون چهارم ژنو، ماده ۱۸.

توجه با ضرورت‌ها و احتیاجات نظامی نبوده و همچنین با مطالعه اسناد و شواهد و سبقه‌ای که نظامیان عراق از خود به‌جای گذاشته، مشخص می‌شود که در اکثر اقدامات خود هر هدفی را به غیر از ضرورت‌ها و مزیت‌های نظامی مستقیم، دنبال می‌کردند. همچنین، غیر از ممنوعیت یا محدودیت ابزار و شیوه‌های خاص جنگی، از جمله آنهایی که ماهیتاً درد و رنج غیرضروری ایجاد می‌کنند، رویکرد حقوق بین‌الملل بشردوستانه صریحاً محدودیت‌های کلی بر نوع و درجه‌ی خشونت که در حملات علیه اهداف نظامی واقعاً مشروع مجاز است، وضع نمی‌کند.

در نتیجه، این مسئله باید مطابق اصول اساسی ضرورت نظامی و بشردوستی تعیین شود و شرایط واقعی حاکم در هر پرونده را در نظر بگیرد. بند ۲۲ از مقررات لاهه پیش‌بینی می‌کند که حق افراد متخاصم برای اتخاذ راه‌های آسیب رساندن به دشمن محدود نمی‌باشد و بند ۲۳ در کنار سایر مفاد و قوانین دیگر استفاده از سم و سلاح‌های سمی که قوانین موضوعه‌ای برای جنگ وجود دارند که دربردارنده ممنوعیت‌های مطلق می‌باشند. در جایی که یک چنین مقررات مثبتی اعمال می‌شوند، به هیچ‌وجه نمی‌توان تمسک جستن به ضرورت نظامی را قانوناً مجاز دانست.

استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی، حتی پس از پذیرش رسمی قطع‌نامه ۵۹۸ از سوی ایران نیز ادامه یافت. در ۹ مه ۱۹۸۸، جمهوری اسلامی ایران طی یادداشتی به دبیرکل سازمان ملل اطلاع داد که عراق علیه مردم چند ده و دهکده در منطقه غرب و جنوب ایران از سلاح شیمیایی استفاده کرده است. بنا به درخواست ایران، دبیرکل، آقای دکتر دمنگوئز را به همراه دکتر اریک دالگون برای بررسی موضوع به ایران فرستاد.

دبیرکل گزارش مزبور را طی نامه‌ای به شورای امنیت اطلاع داد. در مقابل، عراق نیز ادعا کرد که نیروهای ایرانی از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده‌اند؛ بنابراین، برای بررسی موضوع خواستار اعزام هیئتی به بغداد شد. هیئت مورد نظر به عراق اعزام شد و پس از بررسی موضوع، گزارش خود را به دبیرکل تسلیم کرد. در عملیاتی که ایران در شهر فاو انجام داده بود و در نهایت ارتش عراق ناامید از کلیه راه‌ها و شگردهای رزمی خود در مقابله با نیروهای ایران تنها راه باقی مانده در ضربه زدن به رزمندگان ایرانی را بمباران شیمیایی به وسیله هواپیماهای جنگنده خود دید و از آنجا که فاصله درگیری بین یگان‌های دشمن و خودی بسیار نزدیک بود، در مرحله نخست بمباران، دشمن به اشتباه تیپ‌های گارد جمهوری خود را مورد اصابت بمب‌های شیمیایی قرار داد که منجر به



آلودگی ۷۰ درصد نیروهای آنها شد.

دبیرکل نیز طی یادداشتی گزارش هیئت را به شورا اطلاع داد، اما شورا به گزارش‌ها و ادعاهای دو طرف رسیدگی نکرده بود که مجدداً جمهوری اسلامی ایران در ۳ اوت ۱۹۸۸ طی یادداشتی به دبیرکل اعلام کرد که عراقی‌ها بار دیگر سلاح‌های شیمیایی را در منطقه شیخ عثمان (مجاور شهر اشنویه) به کار برده‌اند. هیئت اعزامی، پس از بررسی‌های خود ادعای ایران را مبنی بر استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی در منطقه تأیید کرد و در مقدمه گزارش خود، چنین نوشت:

«با توجه به شواهدی که در حین مأموریت خود به دست آوردیم، با تأسف فراوان به این نتیجه رسیدیم که، برخلاف درخواست‌های مکرر سازمان ملل، سلاح‌های شیمیایی علیه شهروندان غیرنظامی ایران در منطقه مجاور یک شهر که در برابر چنین حملاتی فاقد هر گونه دفاع است، به کار گرفته شده است. این واقعیت که کودکان نیز قربانی شده‌اند یکبار دیگر عواقب غیرقابل قبول چنین حملاتی را ثابت می‌کند. استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه غیرنظامیان مشخصاً حمله به وجدان بشری است و باید قویاً مردود شناخته شود.»

در نهایت، شورای امنیت پس از دریافت گزارش مزبور از دبیرکل و بررسی آن و نیز بررسی موضوعات مربوطه دیگر، قطع‌نامه‌ای به شماره ۶۲۰ در تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۸۸ صادر کرد. در این قطع‌نامه، شورا پس از ابراز تأسف از استمرار کاربرد سلاح‌های شیمیایی در مناقشه میان ایران و عراق و ابراز نگرانی از خطر استفاده احتمالی از سلاح‌های شیمیایی در آینده و اعلام عزم راسخ خود مبنی بر پایان دادن به هر گونه استفاده از سلاح شیمیایی در حال و آینده، کاربرد مجدد سلاح شیمیایی در مناقشه بین ایران و عراق را با پروتکل ۱۹۲۵ و قطع‌نامه ۶۱۲ خود مغایر دانست و آن را محکوم کرد. در این قطع‌نامه، شورا بار دیگر از تمامی دولت‌های صادرکننده محصولات شیمیایی خواست که بر محصولات شیمیایی صادراتی خود به صورت جدی نظارت کنند تا بتوانند از کاربرد این محصولات در ساخت سلاح‌های شیمیایی جلوگیری به عمل آورند. به گمان برخی از صاحب‌نظران، این هشدار شورا در قطع‌نامه ۶۲۰ مؤثر واقع شد و از کاربرد سلاح شیمیایی در مناقشات بعدی جلوگیری کرد و اگر به موقع نیز تصویب می‌شد چه بسا جان هزاران انسان بی‌گناه و مظلوم از گزند این سلاح‌ها مصون باقی می‌ماند.

منابع ایرانی تعداد حملات شیمیایی عراق را طی هشت سال جنگ تحمیلی بیش از ۲۵۲ بار ذکر کرده‌اند؛ طوری که «کشور ایران طی هشت سال جنگ تحمیلی، در معرض شدیدترین و طولانی‌ترین حمله‌های شیمیایی در تاریخ جنگ‌های جهان قرار گرفت. تعداد حمله‌های شیمیایی و تنوع عوامل به کار گرفته شده در این جنگ بی‌سابقه بود و این حملات وحشیانه مجروح شدن بیش از صد هزار نفر از هموطنان ایرانی را موجب شد که ده درصد آنها بلافاصله به شهادت رسیدند.»<sup>۱</sup>

اما مهم‌ترین نکته در برابر استفاده عراق از سلاح شیمیایی، خویشتنداری و خودداری ایران از استفاده از سلاح شیمیایی در طول جنگ بود. از بدو امر، ایران استفاده از سلاح شیمیایی را نقض پروتکل ۱۹۲۵ و یک اقدام جنایتکارانه تلقی می‌کرد.<sup>۲</sup> ایران حتی در حالی که توانایی ساخت و تولید سلاح شیمیایی را در اختیار داشت و می‌توانست در قبال تخطی عراق از پروتکل ۱۹۲۵ ژنو دست به مقابله به مثل بزند، ولی هرگز در عمل سلاح شیمیایی را مورد استفاده قرار نداد.

## ۲-۲ حمله به تأسیسات حاوی «نیروهای خطرناک» و «ضروری و حیاتی»

برخی تصمیمات که میان احتیاجات نظامی و نگرانی‌های بشردوستانه وضع شده مواردی هستند که حمایت و مصونیت غیرنظامیان از آثار جنگ و «ضرورت» حمله به اهداف نظامی، را متعادل می‌کنند. این موضوع دوباره در سال ۱۹۷۷ در پروتکل شماره ۱ الحاقی به کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ مطرح شد.<sup>۳</sup> ماده ۵۱ (۵) در میان حملاتی که «غیردقیق» و در نتیجه غیرقانونی هستند شامل این شود که:

«هر چه که احتمال داده شود سبب از بین رفتن اتفاقی جان، صدمه به غیرنظامیان، خسارت به اهداف غیرنظامی، یا ترکیبی از این موارد شود، در مورد اهداف نظامی مشخص و مستقیم قابل-پیش‌بینی، این احتمال بیش از حد خواهد بود.»

<sup>۱</sup> روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۸/۲/۲۷.

<sup>۲</sup> معاون اروپا و امریکای وزارت خارجه اعلام کرد که بر اثر گسترش کاربرد سلاح شیمیایی توسط عراق، این رژیم دیگر فقط یک متجاوز نیست، بلکه اکنون یک جنایتکار جنگی محسوب می‌شود (روزنامه اطلاعات - ۶۷/۱/۱۵).

<sup>۳</sup> نه بریتانیا و نه ایالات متحده، پروتکل شماره ۱ الحاقی ۱۹۷۷ را تصویب نکرده‌اند اما هر دو دولت عملاً تمایل به اجرای بخش اعظمی از مقررات آن را، که مورد نزاع نبود، نشان دادند و این در واقع در جنگ فاکلند ۱۹۸۲ صورت گرفت.

اشاره به «ضرورت» در این مقررات ضمنی است نه صریح، اما با این وجود آشکار است. دشواری بررسی «منافع نظامی مستقیم» در برابر نتایج ظاهراً غیرقانونی، آشکار است، حتی اگر «اتفاقی» باشد. در جایی دیگر در این باره ادعا شده است که:

«جایی که اهداف نظامی در مجاورت جمعیت غیرنظامی قرار دارند، تعادل باید میان «محاسبه-ی اهداف نظامی مشخص و مستقیم» که از حمله‌ی پیشنهادی انتظار می‌رود و احتمالاً قربانیان غیرنظامی و خسارت به اهداف غیرنظامی صورت گیرد. مورد تردید است که آیا این محاسبه همواره می‌تواند با رضایت کامل هرکس صورت گیرد؛ با این وجود باید بطور آشکاری با حسن نیت و با توجه به احتمال اطلاعات محدود موجود، بر عهده گرفته شود»<sup>۱</sup>.

بار دیگر تأکید نسبت به الزامات غیرقابل اجتناب جنگی صورت گرفته و پیرو محدودیتی ضمنی و براساس اهداف بشردوستانه‌ی اساسی، تا جایی که ممکن باشد، جمعیت غیرنظامی را از آثار جنگ دور می‌کند. تعدادی از مثال‌های کاربردی این بحران اساسی که ممکن است توسعه یابند، مشخصاً در دو مورد فرض می‌شوند که عامل حملات به تأسیساتی که حاوی «نیروهای خطرناک» هستند را افزایش داده، که آثارشان «غیردقیق» است و در این پروتکل نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند.<sup>۲</sup>

براساس بند نخست قطعنامه‌ی ۴۰۷ کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تمامی تهاجمات مسلحانه علیه تأسیسات هسته‌ای که برای مقاصد صلح‌جویانه به کار می‌روند، باید صریحاً و سریعاً ممنوع شوند. پروتکل ۱۹۷۷ ژنو نیز حمله به نیروگاه‌های اتمی را صریحاً ممنوع اعلام کرده است. درباره حمله به تأسیسات غیرنظامی، بند ۱ ماده ۵۶ پروتکل نخست ۱۹۷۷ مقرر می‌کند: «حمله به تأسیسات خطرناک، مانند: سد... و نیروگاه اتمی تولید برق، حتی در صورتی که این گونه اهداف، هدف نظامی نیز باشند، ممنوع است».

همچنین، براساس بند ۴ ماده ۵۶ پروتکل نخست الحاقی به قرارداد‌های ژنو، منظور از تأسیسات غیرهسته‌ای، هر گونه تأسیساتی است که دوبردارنده‌ی نیروهای خطرناک اند، می‌باشد. این نیروها عبارت اند از: سدها، آب‌بندها، ایستگاه‌های ژنراتورهای برق و ژنراتورهای هسته‌ای. این نیروها،

<sup>۱</sup> H.McCourbey, International Humanitarian Law, Dartmouth, 1990, p.116.

<sup>۲</sup> مشاهده کنید ماده ۵۶ پروتکل ۱۹۷۷.

حتی جایی که هدف نظامی محسوب می‌شوند، نباید هدف حمله‌ی تنبیهی قرار گیرند، این ممنوعیت با هدف حمایت از جمعیت غیرنظامی در زمان جنگ است.

بمباران هسته‌ای هیروشیما و ناگازاکی در پایان جنگ جهانی دوم در خاور دور ملاحظات مشابه اما شدیدتری را مطرح می‌کند. دادگاه ژاپنی در پرونده‌ی شیمودا<sup>۱</sup>، که در واقع اظهارات قاضی<sup>۲</sup> بود، مقرر داشت که این بمباران حمله‌ی «غیردقیق و گاهاً کورکورانه» به اماکنی بود که از نظر فنی «بی‌دفاع» بودند و در نتیجه غیرقانونی بود. با این وجود، این مسئله‌ای است که پاسخ ساده‌ای به آن نمی‌توان داد و شاید از بحث ما خارج باشد. حوادثی که تاحدودی مسائل مشابهی مطرح می‌کنند را می‌توان در حمله‌ی اسرائیل به نیروگاه هسته‌ای عراق، که تصور می‌شد مربوط به توسعه‌ی هسته‌ای نظامی بود، و بمباران ایستگاه انرژی هسته‌ای ایران توسط عراق در طول جنگ خلیج فارس ۱۹۸۰-۱۹۸۸ یافت. رژیم عراق نیز همانند رژیم اشغالگر قدس این قوانین و مقررات را نادیده گرفت و در جریان جنگ هشت ساله، چندین بار به نیروگاه اتمی بوشهر حمله و این قوانین و مقررات را نقض کرد. در اواخر سال ۱۳۶۳، حمله به تأسیسات راکتور اتمی بوشهر شدت یافت، طوری که رژیم عراق ظرف مدت بیست روز، دو بار این نیروگاه را هدف حمله قرار داد و با پرتاب موشک‌های اگزوست به سوی آن، خسارت جانی و مالی فراوانی را به بار آورد.

در نخستین حمله‌ی عراق، که در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۶۳ صورت گرفت، قسمت‌هایی از این نیروگاه از بین رفت، یک نفر به شهادت رسید و چند نفر مجروح شدند. هواپیماهای ارتش عراق در روزهای ۱۳ اسفند ۱۳۶۳ و ۱۴ فروردین ۱۳۶۴ برای بار دوم و سوم به نیروگاه اتمی بوشهر حمله و دو نفر را مجروح کردند.

رژیم عراق همواره، بعد از اقدامات غیرقانونی خود، این حملات را تکذیب می‌کرد و گزارشات خلاف واقع ارائه می‌داد:

«عراق ادعاهای ایران مبنی بر حمله‌ی ۲۳ بهمن ۱۳۶۳ هواپیماهای عراقی را به تأسیسات راکتور اتمی بوشهر در ایران تکذیب می‌کند... عراق همچنان به عدم حمله به هر گونه تأسیسات غیر نظامی در داخل ایران پای‌بند است.»

<sup>1</sup> Shimoda case

<sup>2</sup> obiter dicta

ماهیت آثار احتمالی ممکن است با قیاس با آثار حوادث هسته‌ای غیرنظامی در چرنوبیل<sup>۱</sup> در اوکراین که تا وِلز نیز گسترش یافت، بررسی شود. این حمله عراق می‌توانست عوارض بسیار شدیدی نه تنها بر ایران بلکه بر کشورهای همسایه از جمله خود عراق نیز داشته باشد. خوب است در این زمینه اضافه کنیم که ماده ۵۶ (۲) (ب) پروتکل شماره ۱ الحاقی سال ۱۹۷۷ به کنوانسیون-های ژنو ۱۹۴۹، همزمان با مقررات راجع به سدها و بندها که در بالا ذکر شد، مقرر می‌دارد که ممنوعیت حمله جهت رهایی نیروهای خطرناک تاسیسات و مراکز مهم به منظور صدمه به غیرنظامیان، متوقف و رفع می‌شود اگر ایستگاه انرژی هسته‌ای تنها:

«نیروی برق را در حمایت منظم، مهم و مستقیم از عملیات نظامی فراهم کند و اگر چنین حملاتی تنها راه دفاع برای پایان دادن به این حمایت‌ها باشد».

البته چنین مسائلی مستقیماً به مسئله ضرورت نظامی مربوط می‌شوند که شاید در عمل قابلیت نادیده گرفتن نداشته باشد اما صریحاً در ماده ۵۶ (۲) (ب) پروتکل شماره ۱ الحاقی مقرر نشده است. در هر صورت، حمله به یک نیروگاه هسته‌ای، که در واقع منتهی به یک حمله هسته‌ای بدون کنترل، شده است، باید اقدامی به نظر برسد که تنها با «ضرورت‌های» بسیار شدید و مهم می‌تواند توجیه شود. در مورد مقررات مربوط به پروتکل شماره ۱ الحاقی سال ۱۹۷۷ به کنوانسیون-های ژنو ۱۹۴۹، ظاهراً تصور باید این باشد که در اکثر شرایط چنین حمله‌ای، جایی که نیروگاه شناخته شده، نمی‌تواند توجیه شده یا قانونی باشد.<sup>۲</sup>

قطعه‌نامه شماره ۴۴۴ کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، هر گونه تهدید و حمله مسلحانه علیه تاسیسات هسته‌ای صلح‌جویانه را تخلف از منشور ملل متحد، قوانین بین‌المللی و اساس‌نامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قلمداد می‌کند.

همانطوریکه مشخص شد، ارتش عراق مطمئناً بدون در نظر گرفتن ضرورت‌ها و الزامات جنگی به این نیروگاه حمله کرد، چرا که نیروگاه هسته‌ای ایران تکمیل نشده بود و میله‌ی سوخت هسته‌ای آن آماده نبود و بنابراین فاقد کارایی برای پیشبرد و حمایت از عملیات‌های نظامی ایران بود، هرچند این نوع از تاسیسات و دیگر تاسیساتی که عراق به آنها حمله ور شد، اساساً نقش مستقیم و

<sup>۱</sup> Chernobyl

<sup>۲</sup> مشاهده کنید پروتکل شماره ۱ الحاقی سال ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹، ماده ۵۶.

حمایتی از عملیات های نظامی ایران ایفا نمی کردند. حمله به این نوع از تاسیسات به دلیل ماهیت کار خود و اینکه از خود نیروهای خطرناکی تولید می کنند، که بسیار گسترده و غیرقابل کنترل می باشند، ممنوع می باشد و به همین دلیل نماینده ی دولت غنا در کنفرانس دیپلماتیک پروتکل نخست، حمله به چنین تاسیساتی را به معنی نسل کشی در سطح بسیار گسترده دانست.<sup>۱</sup> اما در زمانهای خاصی مانند ضرورت های نظامی بسیار مهم و مستقیم آنهم با لحاظ شرایطی خاص مانند "حمایت مهم و مستقیم آن تاسیسات از عملیات های نظامی" می توان به آن حمله کرد.

در این مورد، مثال معروفی وجود دارد مانند حمله ی «دمبوترز»<sup>۲</sup> در جنگ جهانی دوم به سد هایی که برق آبی (هیدروالکتریسیته) را برای صنایع جنگی روهر<sup>۳</sup> تامین می کردند، و در نتیجه ی آن سیل، به تاسیسات صنعتی خسارت وارد کردند اما به قیمت مرگ تعداد زیادی از غیرنظامیان تمام شد. این حمله بطور واضح و آشکاری آثار «غیردقیق» و شدیدی داشت، که خسارات قابل توجهی را به صنعت مهمات آلمان نازی وارد کرد که این موضوع مورد تایید وزیر جنگ، آلبرت اسپیر،<sup>۴</sup> نیز بود.<sup>۵</sup> در رابطه با حملات مشخص به سدها یا سدچه ها، به عنوان تاسیساتی که حساس و خطرناک هستند، ماده ۵۲ (۲) (الف) پروتکل شماره ۱ الحاقی سال ۱۹۷۷ مقرر می دارد ممنوعیت کلی حملات احتمالی به چنین مراکز و تاسیساتی جهت مصدومیت غیرنظامیان، که اکنون در بند اول این ماده تنظیم شده، تنها در صورتی متوقف خواهد شد که: «اگر برای کاربردهای غیرمعمولش و در حمایت منظم، مهم و مستقیم از عملیات نظامی استفاده شوند و اگر چنین حملاتی تنها راه دفاع برای پایان دادن به این حمایت ها باشند».

این بند باز هم تلویحاً به ضرورت نظامی اشاره دارد اما آن را در محدودیت های بسیار شدیدی

<sup>1</sup> Edward Kwakwa, The International Law of Armed Conflict: Personal and Material Fields of Application, martinus nighf-publisher, 1992, p 148.

<sup>۲</sup> (Dambusters) خلبانان انگلیسی بودند که طی یک عملیات در ماه مه ۱۹۴۳ با استفاده از بمب های جهنده ( bouncing bomb) که بارنز والیس ( Barnes Wallis) دانشمند انگلیسی، اختراع کرده بود، به سدهای آلمان حمله کردند. نام این عملیات، Chastise بود که بعداً به نام (Dambusters) معروف شد.

<sup>۳</sup> (Ruhr) نام روستایی در آلمان

<sup>4</sup> Albert Speer

<sup>5</sup> A.Speer, Inside the Third Reich, first published Mc Millan. NY, 1970, p 383.

قرار می‌دهد، مشخصاً به صورت استثنا، شامل تاسیساتی می‌شود که در کاربردی غیر از «کاربرد معمول» خود استفاده می‌شوند. البته سدهای روهر مورد استفاده‌ی معمول خود، یعنی تامین برق برای کارخانه‌های نظامی مربوطه، قرار گرفته بودند. در شرایط جدید اقدامی مشابه حمله‌ی «دمبوترز»، در بهترین حالت، باید به عنوان مشروعیتی مشکوک و شبهه ناک در نظر گرفته شود. اما هیچکدام از تاسیساتی که ارتش عراق به آنها حمله‌ور شد، این چنین شرایطی را نداشتند و فاقد هرگونه مشارکت مستقیم در عملیات‌های نظامی ایران بودند. نتیجتاً مشخص می‌شود که ارتش عراق هیچ ضرورت نظامی اجتناب‌ناپذیری را مد نظر نداشته و پایه و اساس این حملات به تاسیسات ایران، ممنوع و غیرقانونی بوده است. همچنین، براساس پروتکل الحاقی اول از پروتکل ۱۹۷۷ در بند ۲ از ماده ۵۴ که دربردارنده فصلی درباره حفاظت از اشیاء غیرنظامی می‌باشد حملات بر علیه:

" اشیایی را که برای زنده ماندن جمعیت‌های غیرنظامی ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌باشند، مانند مواد غذایی، مناطق کشاورزی برای تولید مواد غذایی، محصولات، دام‌ها و تاسیسات آب آشامیدنی و عرضه آن و پروژه‌های آبیاری، برای زندگی بخشی از جمعیت غیر نظامی و یا حزب مخالف، با هر انگیزه‌ای که باشد، از بین ببرند، چه برای گرسنگی دادن به افراد غیر نظامی و یا وادار کردن آنها به گریختن و یا بنا به هر انگیزه دیگر را ممنوع می‌داند."

با این وجود، لغو این ممنوعیت‌ها برای یکی از طرفین جنگ در دفاع از سرزمین خود در برابر هجوم دشمنان، زمانی که این لغو در این سرزمین که تحت کنترلش است، با ضرورت نظامی ضروری درخواست شود، امکانپذیر است. از دیگر اقدامات غیرقانونی عراق، حمله هواپیماهای جنگی این رژیم در مهرماه ۱۳۶۴ به شهرستان امیدیه بود که تاسیسات آب و برق این شهر را هدف قرار دادند و قطع آب و برق را سبب شدند و با توجه به گرمای شدید منطقه، مردم ساعت‌ها در ماضیه قرار گرفتند. در واقع، این اقدام عراق نقض ماده‌ی ۵۴ پروتکل نخست ۱۹۷۷ بود و ایجاد قحطی به‌عنوان روش جنگی علیه مردم غیرنظامی ممنوع است.

رژیم عراق در جریان نقض‌های مکرر مقررات بین‌المللی، هواپیماهایش در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۶۶ تاسیسات نفتی گچساران، نیروگاه برق رامین اهواز، دکل برق بادمک پل دختر را هدف قرار دادند و بدین ترتیب، تعدادی از هموطنان را شهید و مجروح کردند و خسارت‌های زیادی به

تأسیسات غیرنظامی وارد آوردند.

در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۶۶ نیز ارتش عراق بار دیگر، به اهداف غیرنظامی حمله کرد و این بار صنایع آلومینیوم‌سازی اراک، شرکت کشت و صنعت کارون و کارخانه‌ی کاغذ پارس را در هفت‌تپه هدف قرار داد. در این حمله‌ها نیز، عده‌ای از غیرنظامیان کشته یا زخمی شدند و بخشی از این مراکز نیز تخریب گردید.

ماده ی ۵۲ پروتکل نخست ۱۹۷۷ منضم به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو درباره اموال غیرنظامی چنین مقرر می‌کند: اموال غیرنظامی باید از آسیب‌های جنگ در امان باشند. همچنین بند ۱ این ماده، اموال غیرنظامیان نباید هدف حمله یا اقدام تلافی‌جویانه قرار گیرد.

حمله‌های دشمن به مراکز غیرنظامی و اهداف غیرنظامی به طور مداوم، ادامه داشت. در واقع، رژیم عراق در تلاش بود که تمام تأسیسات صنعتی و اقتصادی ایران را نابود کند. هوایماهای ارتش عراق در ۳۱ مرداد و ۸ شهریور ۱۳۶۶، به مجتمع شیمیایی رازی ایران و ژاپن در بندر امام خمینی، کارخانه‌ی سیمان دورود، یک واحد پست انتقال برق در تبریز، نیروگاه برق تبریز و پست انتقال برق همدان حمله کردند. در این حملات تعدادی از کارکنان این مراکز را کشته و یا زخمی کردند و بخش‌های وسیعی از این اهداف را نیز از بین بردند. همچنین، حمله‌ی هوایی عراق به پست انتقال برق انجیرک، کارخانه‌ی هپکو اراک و نیروگاه برق آرن نهادند از دیگر اعمال وحشیانه‌ی ارتش عراق در تابستان ۱۳۶۶ است.<sup>۱</sup> این اقدامات و صدها حمله نظیر آن در حالی انجام شد که بند ۲ ماده ی ۵۲ پروتکل نخست ۱۹۷۷، مقرر می‌کند که حمله‌ها باید به طور دقیق، به اهداف نظامی محدود شوند. گفتنی است که اهداف نظامی به اموالی محدودند که بر حسب طبیعت، محل استقرار یا مصرف و استفاده ی آنها، سهم مؤثری در اقدام نظامی داشته باشند و تخریب کامل یا جزئی یا تصرف یا خنثی‌سازی آنها برتری و مزیت نظامی مشخصی در بر داشته باشد. بنابراین، تأسیساتی که هدف حمله قرار گرفتند، اغلب تأسیسات برق بودند که صدها کیلومتر با جبهه‌های جنگ فاصله داشتند و تخریب آنها برای دشمن **ضرورت و مزیت نظامی** مشخصی در بر نداشت.

<sup>۱</sup> محمود یزدان فام، روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب ۵۰ (اسکورت نفتکش‌ها)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، زمستان ۱۳۷۸، ص ۷۷۲ تا ۸۷۴ و ۸۸۰.



## ۲-۳ آلوده کردن و تخریب محیط زیست

حفظ محیط زیست و توجه به مسائل زیست محیطی به خصوص در دوران جنگ یکی از موضوع‌های مهم جهانی و دغدغه برانگیز بشر معاصر و مدافعان حقوق بشر است؛ زیرا بهره‌برداری از طبیعت، حفظ کرامت انسانی و تحقق امنیت و عدالت، توسعه و رشد نسل‌های آینده رابطه بسیار نزدیک با حفظ محیط‌زیست و مسائل زیست‌محیطی دارد، و هر گونه آسیب و تخریب طبیعت بر زندگی سالم انسانی اثرگذار است.

امروزه همه اذعان دارند که آثار سوء جنگ‌ها بر طبیعت و محیط‌زیست از هر عامل دیگر خطرناک‌تر است؛ زیرا در جنگ‌ها حس ضربه زدن و پیروزی یک طرف منازعه بر طرف دیگر بدون در نظر گرفتن یک ضرورت واقعی و مطلق نظامی و تمایل شدید به انتقام‌جویی با استفاده از سلاح‌های ویرانگر، به تدریج به وجود می‌آید و با دادن تلفات و ضایعات، این حس روز به روز شدت بیشتری می‌یابد تا جایی که دو طرف منازعه هر گونه پایبندی به اصول انسانی و همچنین اصل ضرورت نظامی [که خود به نوعی دارای جنبه بازاریابی از بی‌بندوباری در حملات غیرقانونی، بدون مزیت و غیر دقیق است] را فراموش می‌کنند و موجب زیان عظیم بر محیط‌زیست می‌شوند.

تدوین و تصویب تمامی قوانین بین‌المللی و معاهدات بین دولت‌های دنیا در مورد حفاظت از محیط زیست، همه برای سلامت و بقای بشر است. برای نمونه اگر در کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی (همانند کنوانسیون ۱۹۲۵ ژنو)، مقرر شده است که سلاح شیمیایی به کار گرفته نشود، بدان دلیل نیست که تنها حقوق اجتماعی دولت‌های عضو در کنوانسیون حفظ یا حمایت شود، بلکه پیش‌گیری از تأثیرات سوئی است که این سلاح پس از هر جنگی بر ملت‌های مجاور و محیط زیست می‌گذارد.

به موجب قوانین سنتی حقوق مخاصمات مسلحانه، محیط‌زیست از حفاظت بهتری نسبت به حفاظت از دارایی‌های دشمن بهره‌مند نبود، که این موضوع در بند (ج) ۲۳ از مقررات ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه پیش‌بینی شده است. ماده ۵۳ از کنوانسیون ۱۹۴۹ لاهه بیشتر تصریح می‌کند که: تخریب هر گونه دارایی‌های حقیقی و شخصی توسط قوای اشغالگر به شکل فردی یا جمعی

به اشخاص خصوصی و یا دولت و یا دیگر مقامات دولتی و یا سازمان‌های اجتماعی و تعاونی تعلق داشته باشند، ممنوع می‌باشند مگر آنکه یک چنین تخریب‌هایی **ضرورتی مطلق** در عملیات نظامی باشند. در نتیجه حملات بر علیه محیط‌زیست و یا تخریب آن می‌توان این حملات را بر اساس ضرورت نظامی مطلق توجیه کرد. بند ۱۴۷ از همین کنوانسیون شامل تخریب غیر قابل توجیه و مصادره دارایی‌هایی است که بر طبق ضرورت نظامی توجیه نمی‌شوند و به صورت غیرقانونی و خارج از کنترل انجام شده و نقض شدید این کنوانسیون می‌باشند و بنابراین مستوجب مسئولیت کیفری فردی می‌باشند.

در مقررات فوق‌الذکر هیچ بندی درباره ضرورت نظامی گنجانده نشده است؛ اما به موجب بند (۳) ۵۴ از پروتکل اول ممنوعیت حمله بر علیه اشیایی که برای بقای جمعیت غیرنظامی اجتناب‌ناپذیر می‌باشند اگر این اشیاء توسط طرف مخالف و صرفاً برای اعضای نیروهای مسلح‌اش مورد استفاده قرار گیرند و یا به منظور حمایت و پشتیبانی مستقیم از کنش‌های نظامی استفاده شوند، به عبارت دیگر اگر آنها تبدیل به اشیایی نظامی شوند، اعمال نمی‌شوند. بند (۵) ۵۴ کاهش‌هایی را در ممنوعیت‌های راجع به تاکتیک‌های خشکاندن زمین توسط یک طرف متخاصم در داخل قلمرو خودشان، چنانچه یک ضرورت نظامی اجبارآور در دفاع علیه اشغال ایجاب نماید، مجاز می‌دارد.

رژیم عراق در جریان تهاجم سراسری خود، شهرهای خرمشهر، مهران، سوسنگرد، هویزه، بستان، سومار، موسیان، قصرشیرین و روستاهای تابعه‌ی آنها را با خاک یکسان کرد. براساس محاسبات علمی، برای تشکیل مجدد هر سانتی‌متر مکعب خاک صد تا چهارصد سال لازم است. بدین ترتیب، تأثیرات سوء تخریب و ویرانی شهرها، روستاها و مناطق مرزی ایران برای مردم ما و آیندگان آشکار می‌شود، البته یکسری از تغییرات زیست‌محیطی که عراق در شهرهای اشغال شده‌ی ایران ایجاد کرد، جنبه‌هایی از ضرورت‌ها و الزامات نظامی در آن دیده می‌شود مانند: از بین بردن خانه‌ها و ساختمان‌ها در برخی مناطق برای عملیات‌های نظامی و امور دفاعی شهر خرمشهر در زمان اشغال و یا از بین بردن پوشش گیاهی حاشیه مرز آبی عراق و ایران مانند منطقه اروند، سوزاندن هزاران درخت نخل و بریدن سر این درخت‌ها به منظور جلوگیری از تحرکات نظامی ایران در آن مناطق و... اما به نظر می‌رسد در برخی موارد هر چند این اقدامات برای مقاصد و

احتیاجات نظامی از سوی ارتش عراق صورت گرفته اما به دلیل گسترده و فراگیر بودن این نوع اقدامات، باید به عنوان مشروعیتی مشکوک و شبهه‌ناک در نظر گرفته شود.

ضمن آنکه رژیم عراق با به کارگیری بمب‌های شیمیایی، خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به ایران وارد کرد. به اعتقاد سم‌شناسان دنیا، تأثیرات سوء سلاح‌های شیمیایی به مدت بیست تا سی سال در خاک باقی و حیات جانداران را به کلی مختل خواهد کرد، حتی اگر انسان با این نوع خاک در تماس نباشد، تأثیرات آنها همچون، تاولزایی و سمیت آن در سطح بدن پدیدار می‌شود.

براساس گزارش‌ها و تحقیقات موثق از جنگ‌های جهانی اول و دوم، خاک‌های مناطقی که هدف بمباران شیمیایی قرار گرفته‌اند، با گذشت سال‌ها، هنوز آثار بمب‌های شیمیایی را در خود دارند و در صورت تماس با آنها، تاولزایی و تأثیرات سوء دیگری در انسان نمودار می‌شود. این موارد همچنین روی ژن‌ها اثر نامطلوبی بر جای می‌گذارد و حتی به صورت عوامل سرطانزا نیز گزارش شده است.<sup>۱</sup>

بند (۱) ماده ۵۵ استفاده از روش‌ها و ابزارهای جنگی که به منظور ایجاد یک چنین خساراتی [گسترده، درازمدت و شدید] به محیط‌زیست می‌شوند و یا می‌توان انتظار داشت که به این منظور به کار گرفته شده باشند را ممنوع می‌کند، چراکه سلامتی و بقای جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.<sup>۲</sup> مقدمه قطعنامه نشست عمومی سازمان حفاظت از محیط‌زیست در زمان مخاصمات مسلحانه، که در ۲۵ نوامبر ۱۹۹۲، منتشر شد بیان می‌دارد که: در صورتیکه تخریب محیط‌زیست بی‌دلیل صورت گرفته باشد و براساس ضرورت نظامی قابل توجیه نباشد، آشکارا برخلاف قوانین بین‌المللی کنونی می‌باشد.

<sup>۱</sup> دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه‌های دفاع، جلد دوم، مقاله "تجاوز عراق و اثرات تخریبی آن بر محیط زیست"، نوشته هادی منافی، تهران: ۱۳۶۸، ص. ۴۶۹.

<sup>۲</sup> Mollard Bannelier, La protection de l'environnement en temps de conflit armé, 2001, pp. 122, 127-131:

ملارد (Mollard) یک آنالیز دقیق را به اثرات بازدارنده ضرورت نظامی بر روی جنگ علیه محیط زیست اختصاص داده است، همچنین در عین حال تأکید می‌کند که حفاظت از محیط زیست مشروط به ضرورت نظامی به عنوان یک شرط سهل‌گیرانه نمی‌باشد.

در دوران جنگ، ارتش عراق بارها، کشور ما را هدف بمباران شیمیایی قرار داد. برای نمونه، این ارتش تنها در یک روز، نود هزار لیتر بمب شیمیایی (با احتساب روزی ۲۵۰ سورتی پرواز، هر پرواز شامل چهار فروند بمب شصت لیتری به اضافه‌ی پرتاب روزانه ده هزار گلوله توپ هر گلوله محتوی سه لیتر مواد شیمیایی) را علیه مردم و رزمندگان در جبهه‌های جنگ و شهرهای مرزی به کار گرفت.<sup>۱</sup>

استفاده از سلاح‌های شیمیایی مرگبار، نه تنها جمع زیادی از رزمندگان را شهید و مصدوم، بلکه محیط زیست را نیز به طور گسترده ای آلوده کرده است. این اقدام‌های رژیم عراق با تمام مقررات بین‌المللی مغایر بود. با اینکه بند (۲) ۵۴ مثال‌هایی از اشیایی خاص (شامل منابع زیست محیطی) را ارائه می‌دهد که نباید مورد هجوم قرار گیرند، بندهای (۳) ۳۵ و (۱) ۵۵ کنوانسیون الحاقی نخست ۱۹۷۷ تنها آن تهاجماتی را ممنوع می‌دانند که موجب ایجاد انواع خاصی از پیامدها (خسارت گسترده، درازمدت و وخیم بر محیط زیست) شوند ولی درباره معنای آنها هیچ توضیح دقیقی ارائه نمی‌دهند.

مین‌ها یا تله‌های انفجاری از جمله سلاح‌هایی هستند که برای محیط زیست زیان‌بارند؛ چرا که ممکن است عمل نکنند و بعدها، برای بخش‌هایی از زمین که مورد استفاده‌ی کشاورزان و دامداران می‌باشد، مزاحمت ایجاد کنند. نیروهای ارتش عراق پس از آنکه متوجه شدند توان مقابله با حمله‌های بی‌امان رزمندگان ایرانی را ندارند، به مین‌گذاری مناطق وسیعی از خاک ایران و بعضی از مناطق مرزی اقدام کردند. پس از گذشت چندین سال از جنگ، هنوز برخی از مناطق مین‌گذاری شده به طور کامل پاک‌سازی نشده‌اند و گاهی، کشاورزان و دامداران مناطق مرزی در برخورد با مین یا مهمات عمل نکرده، جان خود را از دست می‌دهند.

به عنوان مثال در طی جنگ بالکان در سال ۱۹۹۹، حملات صورت گرفته به تاسیسات صنعتی نظیر کارخانجات شیمیایی و تاسیسات نفتی، موجب انتشار آلاینده‌ها در هوا، زمین و آب شد. گروه ضربت بالکان<sup>۲</sup> که به این منظور از جانب برنامه محیط‌زیست سازمان ملل<sup>۱</sup> تشکیل شد تا

<sup>۱</sup> Ibid.p 470 .

<sup>۲</sup> BTF

وضعیت محیط‌زیست در کوزوو را پس از بمباران‌های ناتو را مورد بررسی قرار دهد که در چند نقطه آلودگی‌هایی جدی وجود داشت که تهدیدی برای سلامت انسان بودند؛ اما گروه ضربت بالکان دریافت که برخی از این اثرات در طی یک دوره زمانی طولانی انباشته شده بودند و احتمالاً در نتیجه جنگ پدید نیامده بلکه بر اثر سال‌ها غفلت از محیط‌زیست پدید آمده بودند.<sup>۲</sup> کمیته‌ای که از سوی دادستان دیوان سابق دادگستری بین‌المللی یوگسلاوی تشکیل شد پس از مشاهده تخریب‌های به بار آمده در محیط‌زیست بر اثر عملیات بمباران هوایی به‌منظور بررسی عملیات ناتو در آن منطقه، ماهیت فعلی بندهای (۳) ۳۵ و ۵۵ از پروتکل اول را به زیر سؤال برده و خاطر نشان می‌سازد که شرایط آنها برای اعمال این بندها فوق‌العاده سخت بوده و حوزه و محتویات آنها نادقیق می‌باشد. همچنین این کمیته مفهوم تخریب بیش از حد محیط‌زیست را ناروشن و مبهم تشخیص داده و اعلام داشت که تأثیری که این عملیات بمباران حقیقتاً بر روی محیط‌زیست داشته‌اند نامعلوم بوده و به‌سختی می‌توان آن را اندازه‌گیری کرد.<sup>۳</sup>

هوایم‌های عراقی حوزه‌های نفتی ایران در خلیج فارس را در تاریخ ۷ بهمن ۱۳۶۱ بمباران کردند و همین سبب شد تا روزانه هزاران بشکه نفت از این چاه‌ها نشت کرده و به آب‌های خلیج فارس وارد شود. این اقدام رژیم بغداد - که نقض آشکار مقررات و کنوانسیون‌های بین‌المللی ناظر بر حفاظت محیط‌زیست و همچنین زیر پا گذاشتن کنوانسیون کویت درباره خودداری از حمله به چاه‌های نفتی حوزه‌ی خلیج فارس بود - باعث شد تا پس از چند هفته، سفره‌های بزرگ نفت، قسمت‌هایی از آب‌های خلیج فارس را بیوشاند. بدین ترتیب، لطمات اولیه و ثانویه‌ی جبران‌ناپذیری به جانوران آبی و ساکنان اطراف خلیج فارس، که از این جانوران تغذیه می‌کردند، وارد آمد.<sup>۴</sup> در اینجا، به چند نمونه اشاره می‌شود:

<sup>۱</sup> UNEP

<sup>۲</sup> United Nations Environment Programme and United Nations Centre for Human Settlements, The Kosovo Conflict, Consequences for the Environment, 1999, pp 28-71.

<sup>۳</sup> Final Report to the Prosecutor by the Committee Established to Review the NATO Bombing Campaign Against the Federal Republic of Yugoslavia, 13 June 2000, p

<sup>۴</sup> ستاد تبلیغات جنگ، نقض مقررات بین‌المللی توسط رژیم عراق، ۱۳۶۴، ص ۲۵.

راديو بي.بي.سى در روز ۱۹ تير ۱۳۶۲ اعلام كرد: تا به حال، بيش از پنج نهنك دريائي در آب‌هاي خليج فارس تلف شده و اجسادشان به سواحل شرقي خليج فارس رسیده‌اند. اين كل تعداد نهنك‌هاي دريائي است كه ظاهراً در خليج فارس وجود داشته است.<sup>۱</sup>

مؤسسه‌ی جهانی موجودات وحشی در قسمتی از گزارش خود در این زمینه اعلام کرد که مرگ تعداد زیادی از گاوهای دریایی، دلفین‌ها، لاک‌پشت‌ها، ماهی‌ها، مارهای دریایی و پرندگان را به ثبت رسانده و طی تحقیقی که با استفاده از بالگردها انجام شده، در طول ساحل شرقی خلیج فارس، ۵۳ گاو دریایی مرده (از ۵۴ گاو دریایی موجود در خلیج فارس) سرشماری گردیده است.<sup>۲</sup> همچنین بر اثر بمباران حوزه‌های نفتی و آلودگی آب‌ها، نسل بعضی از ماهیان نیز منقرض شده است.

چهارچوب حفاظت از محیط‌زیست در طی مخاصمات مسلحانه که توسط پروتکل الحاقی اول در سال ۱۹۷۷ تعیین شد هنوز تاکنون به بوته آزمون گذاشته نشده است. تخریب سکوهای نفتی ایران توسط نیروهای عراقی در سال ۱۹۹۱ (که موجب تخلیه هزاران شبکه نفت به خلیج فارس شد) بر پایه ضرورت نظامی قابل توجیه نبوده است و بنابراین یک مورد از نقض فاحش ممنوعیت تخریب دارایی‌های دشمن به موجب بند (ج) ۲۳ از مقررات ۱۹۰۷ لاهه محسوب می‌شود.

### نتیجه‌گیری

دکترین ضرورت نظامی بعد از اینکه اولین بار از سوی لیبر اعلام شد، وارد مرحله‌ی جدیدی از جنگ‌ها و مخاصمات بین‌المللی شد و آموزه‌ای که تازه ایجاد شده بود، عملاً مورد محک جدی قرار گرفت. از نظر نگارنده، یکی از عمده مشکلات رشد نکردن این اصل و به عبارتی نابالغ بودن این آموزه به این دلیل است که بعد از یک تجربه‌ی بسیار ناگوار از سوءاستفاده از این اصل در جریان جنگ‌های جهانی اول و دوم، طبیعتاً نگاه حقوقدانان نسبت به این آموزه چرکین شد و در آثار غالب حقوقدانان بین‌المللی یک نگاه بدبینانه نسبت به این اصل انعکاس یافت؛ اما باید گفت آنچه که در این گذار تاریخی اتفاق افتاد، به نوعی به دلیل تکمیل نشدن این اصل در آن

<sup>۱</sup> روزنامه رسالت، ۱۰/۶/۱۳۶۵.

<sup>۲</sup> همان.

زمان بود، در حالی که اگر این اصل را با قیود و شرایطی تبیین می‌کردند و برای آن چارچوبی کاملاً روشن و صریح فرض می‌کردند این نوع از نگاه‌ها یا اتفاقات ایجاد نمی‌شد.

مورد بعدی که باید در مورد آن سخن بگوییم آن است که در اکثر نوشته‌ها و تفکراتی که در حوزه حقوق بشردوستانه طرح می‌شود به‌نوعی نگاهی متعصبانه و آرمان‌گرایانه نسبت به این موضوعات حقوق بشردوستانه، گاهاً بدون توجه به شرایط عینی در جنگ‌ها و آنچه که در عمل اتفاق می‌افتد، دارند. حال با توجه به این رویکرد، عملاً در نوشته‌ها و تحلیل‌های حقوقی جاری، جایی برای ضرورت نظامی دیده نمی‌شود و به‌مرور زمان دچار مهجوریت شده است؛ اما مطمئناً این اصل دارای معایب و نواقص فراوانی است و اگر به‌جای تحلیل و نقد درست این اصل و همچنین تهیه مقدماتی برای سازمان‌بندی و ایجاد چارچوبی دقیق و روشن برای این اصل، با نگاهی صرف متعصبانه به این اصل توجه کنیم، دیری نمی‌پاید که مجدداً شاهد برخی توجیحات و سوءاستفاده‌هایی از این اصل در جنگ‌های داخلی و بین‌المللی خواهیم بود، چراکه بیشتر مفاد اجازه دادند که ضرورت نظامی مقرر توسط آنهایی که خود نیازمند این توجیه هستند، ارزیابی شود؛ به عبارت دیگر هنگامی که مقررات اجرا شوند هیچ بررسی عینی از این ارزیابی ضرورت صورت نمی‌گیرد. همین‌طور، باید گفت «ضرورت» رأیی است که تحت شرایط خاصی در رفتار دقیق درگیری‌های مسلحانه وضع شده و چیزی نیست که بطور استقرایی و با توجه به اهداف سیاسی یا استراتژیک عمده تعیین شده باشد. همچنین برای متجاوز غیرممکن است که در خصوص مسائل دقیق و روشن، ادعای «ضرورت» کند. «ضرورت» فقط یک رویه برای سهولت نظامی نیست، بلکه معیاری است که اثرش بستگی به تعادل میان تعدادی از عوامل رقیب دارد که ممکن است تقصیر ظاهری را بطور کلی در مورد یک عمل خاص حذف کند یا حذف نکند؛ مانند مقامات آلمانی که اقدامات ظالمانه، ترور، نابودی نظامیان و غیرنظامیان را، اگر برای برتری در نزاع «ضروری» باشد، تشویق می‌کردند. همچنین از شواهد عرضه شده از سوی این متهمان آلمانی به روشنی می‌توان دید که آنها به ضرورت نظامی به مشابه چیزی نگاه می‌کردند که از سوی آنها تعیین می‌شود که توجیهی کامل برای رفتارهایشان می‌باشد.

هرچند ضرورت نظامی دارای جنبه محدود کننده و بازدارنده است اما این اصل در بسیاری از

موارد به دلیل آنکه دارای یک سازمان‌بندی دقیق نیست، مبهم و عامل سوءاستفاده از قوانین بشردوستانه برای بسیاری از ناقضین می‌باشد. نگارنده معتقد است برای به حداقل رساندن سوءاستفاده‌های و نگرانی‌های راجع به نقض قوانین با استفاده از اصل ضرورت نظامی، باید به تلطیف این اصل پردازیم.

در موضوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که یکی از موضوعات چالشی این مقاله می‌باشد، با بررسی وقایع و اتفاقات این جنگ که غالباً از سوی ارتش عراق صورت گرفته بود، به این نتیجه رسیدیم که ارتش بعث عراق در بسیاری از موارد مانند حملات گسترده شیمیایی، حمله به تأسیسات غیر نظامی، آلوده کردن محیط‌زیست و ... هیچ بایستگی نظامی مستقیمی را مورد نظر نداشته و در موارد بسیار زیادی، در رابطه با اهداف، بیش از حد نیاز و بدون هیچ ربطی به اهداف فرضی و نظامی، آنها مورد حمله قرار داده بود. به عقیده نگارنده غالب حملاتی که بیان شد به خاطر اهداف سیاسی و بدون در نظر گرفتن هیچ هدف خاصی یا وجود یک سری اهداف نظامی نسنجیده، غیرواقع‌گرایانه یا درست تعریف نشده از سوی ارتش عراق بود که موجب ایجاد خسارات مالی و جانی بسیاری از هموطنان ما گردید.

رژیم عراق در جریان جنگ هشت ساله، چندین بار به نیروگاه اتمی بوشهر حمله و این قوانین و مقررات را نقض کرد. در اواخر سال ۱۳۶۳، حمله به تأسیسات راکتور اتمی بوشهر شدت یافت، طوری که رژیم عراق ظرف مدت بیست روز، دو بار این نیروگاه را هدف حمله قرار داد و با پرتاب موشک‌های اگزوست به سوی آن، خسارت جانی و مالی فراوانی را به بار آورد. این حمله عراق می‌توانست عوارض بسیار شدیدی نه تنها بر ایران بلکه بر کشورهای همسایه از جمله خود عراق نیز داشته باشد. همانطوریکه مشخص شد، ارتش عراق مطمئناً بدون در نظر گرفتن ضرورت‌ها و الزامات جنگی به این نیروگاه حمله کرد، چراکه نیروگاه هسته‌ای ایران تکمیل نشده بود و میله‌ی سوخت هسته‌ای آن آماده نبود و بنابراین فاقد کارایی برای پیشبرد و حمایت از عملیات‌های نظامی ایران بود، هرچند این نوع از تأسیسات و دیگر تأسیساتی که عراق به آنها حمله ور شد، اساساً نقش مستقیم و حمایتی از عملیات‌های نظامی ایران ایفا نمی‌کردند. حمله به این نوع از تأسیسات به دلیل ماهیت کار خود و اینکه از خود نیروهای خطرناکی تولید می‌کنند، که بسیار



گسترده و غیرقابل کنترل می‌باشند، ممنوع می‌باشد و به همین دلیل نماینده‌ی دولت غنا در کنفرانس دیپلماتیک پروتکل نخست، حمله به چنین تأسیساتی را به معنی نسل‌کشی در سطح بسیار گسترده دانست.<sup>۱</sup>

همچنین رژیم عراق در جریان نقض‌های مکرر مقررات بین‌المللی، هواپیماهایش در سال ۱۳۶۶ تأسیسات نفتی گچساران، نیروگاه برق رامین اهواز، دکل برق بادمک پل‌دختر، صنایع آلومینیوم‌سازی اراک و ... را هدف قرار دادند و بدین ترتیب، خسارت‌های زیادی به تأسیسات غیرنظامی وارد آوردند؛ اما هیچکدام از تأسیساتی که ارتش عراق به آنها حمله‌ور شد، این چنین شرایطی را نداشتند و فاقد هرگونه مشارکتی مستقیم در عملیات‌های نظامی ایران بودند. نتیجتاً مشخص می‌شود که ارتش عراق هیچ ضرورت نظامی اجتناب‌ناپذیری را مد نظر نداشته و پایه و اساس این حملات به تأسیسات ایران، ممنوع و غیرقانونی بوده است.

در جریان جنگ هشت ساله، دولت عراق با کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه نیروهای نظامی و غیرنظامی ایران (حتی علیه اتباع خود در شهر حلبچه) ممنوعیت‌های مندرج در اسناد مزبور (پروتکل ۱۹۲۵) را نقض کرد. ارتش عراق در مناطق مختلف عملیاتی و حتی مسکونی از به‌کارگیری انواع عوامل شیمیایی دریغ نکرد. رژیم عراق بدون هیچ منفعت ضروری نظامی و با به کار بردن سلاح‌ها و روش‌های ممنوعه به این اقدام دست زد، در حالی که در شرایط و قیود اصل ضرورت نظامی بیان شد که باید آن اقدام برای یک هدف نظامی مشروع باشد و هم آن عمل و اقدام نظامی که به آن مبادرت می‌شود، باید مجاز باشد؛ اما اقدام عراق به بمباران این بیمارستان‌ها آن هم با بمب‌های شیمیایی به هیچ عنوان قابل توجیه با ضرورت‌ها و احتیاجات نظامی نبوده و همچنین با مطالعه اسناد و شواهد و سبقه‌ای که نظامیان عراق از خود به‌جای گذاشته، مشخص می‌شود که در اکثر اقدامات خود هر هدفی را به غیر از ضرورت‌ها و مزیت‌های نظامی مستقیم، دنبال می‌کردند. همچنین، غیر از ممنوعیت یا محدودیت ابزار و شیوه‌های خاص جنگی، از جمله آنهایی که ماهیتاً درد و رنج غیرضروری ایجاد می‌کنند، رویکرد حقوق بین‌الملل بشردوستانه صریحاً محدودیت‌های کلی بر نوع و درجه‌ی خشونت که در حملات علیه اهداف نظامی واقعاً

<sup>۱</sup> Edward Kwakwa, The International Law of Armed Conflict: Personal and Material Fields of Application, martinus nighf-publisherd, 1992, p 148.

مشروع مجاز است، وضع نمی‌کند.

رژیم عراق در جریان تهاجم سراسری خود، شهرهای مرزی و روستاهای تابعه‌ی آنها را با خاک یکسان کرد و این در حالی است که براساس محاسبات علمی، برای تشکیل مجدد هر سانتی‌متر مکعب خاک صد تا چهارصد سال لازم است. البته یکسری از تغییرات زیست‌محیطی که عراق در شهرهای اشغال‌شده‌ی ایران ایجاد کرد، جنبه‌هایی از ضرورت‌ها و الزامات نظامی در آن دیده می‌شود مانند: از بین بردن خانه‌ها و ساختمان‌ها در برخی مناطق برای عملیات‌های نظامی و امور دفاعی شهر خرمشهر در زمان اشغال و یا از بین بردن پوشش گیاهی حاشیه مرز آبی عراق و ایران مانند منطقه اروند، سوزاندن هزاران درخت نخل و بریدن سر این درخت‌ها به منظور جلوگیری از تحرکات نظامی ایران در آن مناطق و... اما به نظر می‌رسد در برخی موارد هر چند این اقدامات برای مقاصد و احتیاجات نظامی از سوی ارتش عراق صورت گرفته اما به دلیل گسترده و فراگیر بودن این نوع اقدامات، باید به‌عنوان مشروعیتی مشکوک و شبهه‌ناک در نظر گرفته شود.

ضمن آنکه رژیم عراق با به‌کارگیری بمب‌های شیمیایی، خسارت‌های زیست‌محیطی جبران‌ناپذیری را به ایران وارد کرد. به اعتقاد سم‌شناسان دنیا، تأثیرات سوء سلاح‌های شیمیایی به مدت بیست تا سی سال در خاک باقی و حیات جانداران را به کلی مختل خواهد کرد، حتی اگر انسان با این نوع خاک در تماس نباشد، تأثیرات آنها همچون، تاولزایی و سمیت آن در سطح بدن پدیدار می‌شود. تخریب سکوه‌های نفتی ایران توسط نیروهای عراقی در سال ۱۹۹۱ (که موجب تخلیه هزاران شبکه نفت به خلیج فارس شد) بر پایه ضرورت نظامی قابل توجیه نبوده و بنابراین می‌تواند مانند سایر موارد ذکر شده، حتی یک مورد از نقض فاحش ممنوعیت تخریب دارایی‌های دشمن به موجب بند (ج) ۲۳ از مقررات ۱۹۰۷ لاهه هم محسوب می‌شود.

هرچند هنوز تا به امروز دادگاهی برای رسیدگی به جرایم ارتش بعثی تشکیل نشده، اما با توجه به بسیاری از دادگاههایی که بعد از جنگ جهانی دوم تشکیل پیدا کرد و با توجه به اظهارات ژنرال‌های نظامی که برای رهایی از مجازات و توجیه عمل خود، بی‌شرمانه به ضرورت نظامی متمسک می‌شدند، می‌توان یکی از رسالت‌های این پژوهش را این دانست که اگر روزی با ادعای فرماندهان و سرداران عراق مبنی قرار گرفتن در حالت ضرورت نظامی روبه‌رو شدیم، این پژوهش بتواند گامی مؤثر در جهت ابطال و رد این ادعاها بردارد.

## منابع

### کتاب

- ۱- هنکرتز، ژان ماری و دوسوالدبک، لوئیس (۱۳۹۱)؛ حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران، مجد.
- ۲- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۰)؛ حقوق جنگ، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۳- ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۷)؛ حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخاصمات مسلحانه داخلی، کمیته ملی حقوق بشردوستانه، چاپ سوم.
- ۴- سیاه رستمی، هاجر و حسین نژاد، کتایون (۱۳۹۰)؛ حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه (مجموعه اسناد دژنو)، کمیته ملی حقوق بشردوستانه ایران.
- ۵- فلک، دیتر (۱۳۹۱)؛ حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، ترجمه دکتر سید قاسم زمانی و نادر ساعد، شهر دانش، تهران.
- ۶- زمانی، قاسم (۱۳۸۱)؛ حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و اشغال سرزمین‌های ایران در جنگ تحمیلی، شهر دانش.
- ۷- پورمحمدی، نعمت‌الله (1385)؛ حقوق بشردوستانه در جنگ ایران و عراق، مرکز اسناد دفاع مقدس.
- ۸- منافی، هادی (۱۳۶۸)؛ مقاله "تجاوز عراق و اثرات تخریبی آن بر محیط‌زیست"، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه‌های دفاع، جلد دوم.
- ۹- یزدان فام، محمود (۱۳۷۸)؛ روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب ۵۰ (اسکورت نفتکش‌ها)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.
- ۱۰- هدایتی خمینی، عباس (۱۳۷۰)؛ شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.

- ۱۱- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ ماهنامه نگاه «گزارش‌ها و تحلیل‌های نظامی-راهبردی»، سال اول، شماره ۶، شهریور ۱۳۷۶.
- ۱۲- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶)؛ آرامش و چالش (کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۲)، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ص ۱۲۰.
- ۱۳- مسائلی، محمود و ارفعی، عالیه (۱۳۷۱)، جنگ و صلح از دیدگاه حقوق روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۱۲۶.
- ۱۴- آرشیو اسناد ستاد آزادگان؛ دفتر نمایندگی ولی فقیه در ستاد.
- ۱۵- خرمی، محمدعلی (۱۳۶۳-۱۹۸۴ ژوئن)؛ ترجمه‌ی اسناد سازمان ملل درباره جنگ ایران و عراق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۱۶- سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی؛ گزارش‌های لحظه به لحظه و انعکاس آن در خبرگزاری‌ها، مطبوعات و رادیو و تلویزیون‌های جهان، جلد دوم، تهران: انتشارات سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- ۱۷- موسوی، سید احمد (۱۳۷۷)، میراث فرهنگی و جنگ تحمیلی: سازمان میراث فرهنگی.
- ۱۸- چمران، مهدی (۱۳۶۷)؛ جنگ و بازسازی، به نقل از کنفرانس بین‌المللی بازسازی مناطق جنگ زده، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، ۱۵ تا ۲۵ اسفند ماه ۱۳۶۴، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۹- ویشر، دو (۱۹۵۳)؛ حفاظت بین‌المللی از اشیاء هنری و بناهای تاریخی، نشریه‌ی حقوق بین‌المللی و تطبیقی.
- ۲۰- کاظمی، اصغر (۱۳۵۷)؛ خرمشهر در اسناد ارتش عراق، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۲۱- روسو، شارل (۱۳۶۹)؛ حقوق مخاصمات مسلحانه، جلد ۱، ترجمه‌ی سید علی هنجانی، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل.

- ۲۲- آرشیو اسناد جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران، گزارش گروه اعزامی دبیر کل سازمان ملل از مناطق تخریب شده، ۳۱ اردیبهشت تا ۵ خرداد ۱۳۶۲.
- ۲۳- ستاد تبلیغات جنگ (۱۳۶۴)؛ نقض مقررات بین‌المللی توسط رژیم عراق.
- ۲۴- دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، مجله تحقیقات، شماره ۱۸، تابستان و زمستان ۱۳۷۵.
- ۲۵- شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۷۵)؛ مجموعه مقالات حقوق جنگ، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین علیه السلام، چاپ اول.
- ۲۶- سرهنگی، مرتضی (۱۳۶۹)؛ اسرار جنگ تحمیلی به روایت اسرای عراقی، جلد اول، تهران: انتشارات سروش، چاپ چهارم.
- ۲۷- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۷۶)؛ بررسی حقوقی - سیاسی تجاوز رژیم عراق به جمهوری اسلامی ایران، انتشارات تابان.
- ۲۸- مصفا، نسرين مصفا و دیگران (۱۳۶۶)؛ تجاوز عراق به ایران و موضعگیری سازمان ملل متحد، زیر نظر جمشید ممتاز، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی.
- ۲۹- آقایی، سید داوود (۱۳۹۲)؛ بررسی ابعاد حقوقی جنگ عراق علیه ایران، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- ۳۰- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۲)؛ حقوق بین‌الملل بشردوستانه، انتشارات گنج دانش، با همکاری ICRC.
- ۳۱- نیکخواه بهرامی، محمدباقر (۱۳۹۱)؛ جنایت جنگی و حملات شیمیایی عراق در جنگ با ایران، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- ۳۲- کینگ، رالف و کارش، افرایم (۱۳۸۷)؛ جنگ ایران-عراق و پیامدهای سیاسی و تحلیل نظامی، مترجم سید سعادت حسینی دماهی، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

## مقالات

- ۱- رضایی، صالح (۱۳۹۲)؛ عراق و میزان پای بندی آن به حقوق مخاصمات مسلحانه و

- بشردوستانه در جریان جنگ هشت ساله، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- ۲- شافع، میرشهبیز (۱۳۸۰)؛ عملکرد جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ عراق و ایران با توجه به پروتکل اول ژنو ۱۹۷۷، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۵۱.
- ۳- ای.اف.اچ.پست (۱۳۶۹)؛ جنگ عراق علیه ایران از دیدگاه حقوق بین‌الملل، واحد ترجمه دفتر خدمات حقوق بین‌الملل، مجله حقوق بین‌المللی، شماره ۱۳.
- ۴- شریفی طراز کوهی، حسین (۱۳۷۳)؛ حقوق جنگ دریایی و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ عراق و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۲.
- ۵- زمانی، قاسم (۱۳۷۸)؛ حقوق بشردوستانه بین‌المللی و اشغال سرزمین‌های ایران در جنگ تحمیلی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۸، ۱۳۷۸.

## منابع انگلیسی

### کتاب

- 1-Boivin, Alexandra: The Legal Regime Applicable to Targeting Military Objectives in the Context of Contemporary Warfare, Collection des travaux de recherche, 2006
- 2-Gardam, Judith: Necessity, Proportionality and the Use of Force by States, CAMBRIDGE UNIVERSITY, 2004.
- 3-Jinks, Derek: THE TEMPORAL SCOPE OF APPLICATION OF INTERNATIONAL HUMANITARIAN LAW IN CONTEMPORARY CONFLICTS, HARVARD PROGRAM ON HUMANITARIAN POLICY AND CONFLICT RESEARCH, 2003.
- 4-Instructions for the Government of Armies of the United States in the Field, U.S. War Dep't General Orders No. 100, Apr. 24, 1863. (Lieber Code)
- 5-Joseph Perkovich, GUERRILLA PARTIES CONSIDERED WITH REFERENCE TO THE LAWS AND USAGES OF WAR, Lawbook Exch. 2005.

6-Yoram Dinstein, *The Conduct of Hostilities Under the Law of International Armed Conflict*, 2nd edn, Cambridge University Press, 2010.

7-Christopher Greenwood, 'Historical Development and Legal Basis' in Dieter Fleck (ed), *The Handbook of International Humanitarian Law*, 2nd edn, Oxford University Press, 2008.

8-Major Geoffrey S.Corn. International and Operational Law Note, *Principle 1: Military Necessity*, ARMY LAW, Jul. 1998.

9-Anthony Cullen, *The Concept of Non-International Armed Conflict in International Humanitarian Law*, Cambridge Studies in International and Comparative Law, 2010.

10-J. Pictet, *Development and Principles of International Humanitarian Law*, Martinus Nijhoff, 1985.

11-M. Greenspan, *The Modern Law of Land Warfare*, University of California Press, 1959.

12-H. McCoubey, *International Humanitarian Law*, Dartmouth, 1990.

13-JIRI TOMAN, *THE PROTECTION OF CULTURAL PROPERTY IN THE EVENT OF ARMED CONFLICT*, 1996.

14-Dietrich Schindler & Jiri Toman, *THE LAWS OF ARMED CONFLICTS*, 4th ed, 2004.

15-PATRICK BOYLAN, *REVIEW OF THE CONVENTION FOR THE PROTECTION OF CULTURAL PROPERTY IN THE EVENT OF ARMED CONFLICT*, 1993.

16-Mollard Bannelier, *La protection de l'environnement en temps de conflit armé*, 2001.

#### مقالات:

1-Melzer, Nils: *TARGETED KILLING OR LESS HARMFUL MEANS? - ISRAEL'S HIGH COURT JUDGMENT ON TARGETED KILLING AND THE RESTRICTIVE FUNCTION OF MILITARY NECESSITY*, Yearbook of International Humanitarian Law, volume 6, 2006.

2-Alan Reby, Major Kenneth: *Bombardment of Land Targets - Military Necessity and Proportionality Interrelated*, April 1968.

3-Van Bergen, Jennifer - Gittings Jr, Charles B: *Bush War: Military Necessity or War Crimes?*, July 2003.

4-G Draper, 'Military Necessity and Humanitarian Imperatives', 12 *Revue de Droit Pénal Militaire et Droit de la Guerre*, 1973.

5-Elmar Rauch, 'Le Concept de Necessité Militaire dans le Droit de la Guerre', 19 *Mil L & L War Re*, 1980.

- 6-Bosco, David:moral principle vs. military necessity, The American Scholar, Volume 77, No.1, Winter 2008.
- 7-J.S. FORREST, CRAIG: THE DOCTRINE OF MILITARY NECESSITY AND THE PROTECTION OF CULTURAL PROPERTY DURING ARMED CONFLICTS,CALIFORNIA WESTERN INTERNATIONAL LAW JOURNAL,VOLUME 37, SPRING 2007.
- 8- Gregory A Raymond, 'Military Necessity and the War Against Global Terrorism' in Howard M.Hensel (ed), *The Law of Armed Conflict: Constraints on the Contemporary Use of Military Force*, 2005.
- 9-Hayashi, Nobuo: REQUIREMENTS OF MILITARY NECESSITY IN INTERNATIONAL HUMANITARIAN LAW AND INTERNATIONAL CRIMINAL LAW, International Peace Research Institute
- 10- RICHARDS. HARTIGANL, LIEBER's CODE AND THE LAW OF WAR,1983.
- 11-J.G. Fleury, Colonel:JUS IN BELLO AND MILITARY NECESSITY, Canadian Forces College, 17 November, 1998.
- 12-Melzer,nils:KEEPING THE BALANCE BETWEEN MILITARY NECESSITY AND HUMANITY: A RESPONSE TO FOUR CRITIQUES OF THE ICRC'S INTERPRETIVE GUIDANCE ON THE NOTION OF DIRECT PARTICIPATION IN HOSTILITIES, INTERNATIONAL LAW AND POLITICS, Vol. 42:831, 2010.
- 13-Horton, Scott: Kriegsraison or Military Necessity? The Bush Administration's Wilhelmine Attitude Towards the Conduct of War,Fordham International Law Journal, Volume 30, Issue 3, 2006.
- 14-M. Carnahan, Burrus: Lincoln, Lieber and the Laws of War: The Origins and Limits of the Principle of Military Necessity, The American Journal of International Law, Vol. 92, No. 2. 1998.
- 15-Newton, Michael: Modern Military Necessity: The Role & Relevance of Military Lawyers, Vanderbilt University Law School, 2007.
- 16-Worski,Ericja: "Military Necessity" and "Civilian Immunity": Where is the Balance? Chinese JIL, 2003.
- 17- Santa Barbara,Military Necessity and the Principle of Discrimination in Just War Theory, a Kantian Test of Universality Prepared for presentation at the 2009 Conference of the Western Political Science Association Vancouver, Canada March 19-21, Yuchun Kuo Department of Political Science University of California, 2009.
- 18-N. SCHMITT,MICHAEL:Military Necessity and Humanity in International Humanitarian Law: Preserving the Delicate Balance,



- VIRGINIA JOURNAL OF INTERNATIONAL LAW, Vol. 50,2010.
- 19-Nicholson, Richard, FUNCTIONALISM'S MILITARY NECESSITY PROBLEM: EXTRATERRITORIAL HABEAS CORPUS, JUSTICE KENNEDY, BOUMEDIENE V. BUSH, AND AL MAQALEH V. GATES, FORDHAM LAW REVIEW, Vol. 81, 2012.
- 21-ETIENNE, HENRY: Le juge international et les nécessités militaires, 2012.
- 22-Gerald Downey, Jr, William: The Law of War and Military Necessity, The American Journal of International Law, Vol. 47, 1953.
- 23-Gillespie, Alexander: The Limits of International Environmental Law: Military Necessity v. Conservation, Colo. J. Int'l Envtl. L. & Pol'y, 2012.
- 24-Venturini, Gabriella: Necessity in the Law of Armed Conflict and in International Criminal Law, Netherlands Yearbook of International Law, Volume 41, 2010.
- 25-Dunbar NCH, 'Military Necessity in War Crimes Trials', 29 Brit YBIL, 1952.
- 26- N.C.H. Dunbar, 'The Significance of Military Necessity in the Law of War', 55 Jurid Rev, 1955.
- 27-Cowling MG, 'The Relationship Between Military Necessity and the Principle of Superfluous Injury and Unnecessary Suffering in the Law of Armed Conflict', 25 S Afr YBIL, 2001.
- 28- McCoubrey, 'The Nature of the Modern Doctrine of Military Necessity', 30 Mil. L. & L. War Rev, 1991.
- 29- O'Brien WV, 'The Meaning of "Military Necessity" in International Law, 1 World Polity', 1957.
- 30- Rauch E, 'Le Concept de Necessité Militaire dans le Droit de la Guerre', 19 Mil L & L War Rev, 1980.
- 31- Raymond GA, 'Military Necessity and the War Against Global Terrorism' in Hensel HM(ed), The Law of Armed Conflict: Constraints on the Contemporary Use of Military Force, Ashgate, 2005.
- 32- Paulo Bogliolo Piancastelli de Siqueira, Luís: RETHINKING MILITARY NECESSITY IN THE LAW OF ARMED CONFLICT, August 2012.
- 33- Draper G, 'Military Necessity and Humanitarian Imperatives', 12 Revue de Droit Pénal Militaire et Droit de la Guerre, 1973.
- 34-Rex Zedalis, Military Necessity and Iraqi Destruction of Kuwaiti Oil, Revue Belge de Droit Intl, 1990.
- 35-Chris af Jochnick & Roger Normand, The Legitimation of Violence: A

- Critical History of the Laws of War, 35 HARV. INT'L L.J. 1994.
- 36-Wayne Sandholtz, The Iraqi National Museum and International Law: A Duty to Protect, 44 COLUM. J. TRANSNAT'L L. 2005.
- 37-Burleigh Cushing Rodick, *The Doctrine of Necessity in International Law*, Columbia University Press, 1928.
- 38-Henri Meyrowitz, The Principle of Superfluous injury or Unnecessary Suffering, INT'L Rev. RED CROSSM, 1994.
- 39-Rotem Giladi, 'The Jus Ad Bellum/Jus In Bello Distinction and the Law of Occupation', 41 Israel Law Review, 2008.
- 40-Jean Pictet, Humanitarian Law and the Protection of War Victims, Sijthoff, 1975.
- 41-H. McCoubrey, *The Nature of the Modern Doctrine of Military Necessity*, 30 REVUE DE DROIT MILITAIRE ET DE DROIT DE LA GUERRE, 1991.
- 42-Michael N. Schmitt, *Targeting and International Humanitarian Law in Afghanistan*, 39 ISRAEL YEARBOOK ON HUMAN RIGHTS, 2009.
- 43-Kunz, The Chaotic Status of the Laws of War and the Urgent Necessity for Their Revision, 45 AM. J. INT'L L., 1951.
- 44-David Keane, *The Failure to Protect Cultural Property in Wartime*, 14 DE PAUL-LCA J. ART & ENT. L. & POL'Y 1, 2004.
- 45-Joshua E. Kastenberg, *The Legal Regime for Protecting Cultural Property During Armed Conflict*, 42 A.F. L. REV. 277, 1997.
- 46-David A Meyer, *The 1954 Hague Cultural Property Convention and its Emergence into Customary International Law*, 11 B.U. INT'L L.J., 1993.
- 47-Mary Ellen O'Connell, *Occupation Failures and the Legality of Armed Conflict: The Case of Iraqi Cultural Property*, 9 ART ANTIQUITY & L., 2004.
- 48-Roger O'Keefe, *The Meaning of Cultural Property Under the 1954 Hague Convention*, 46 NETH. INT'L L. REV., 1999.
- 49-Sabine von Schorlemer, *Legal Changes in the Regime of the Protection of Cultural Property in Armed Conflict*, 9 ART ANTIQUITY, 2004.
- 50-Marion Forsyth, *Casualties of War: The Destruction of Iraq's Cultural Heritage as a Result of U.S. Action During and After the 1991 Gulf War*, 14 DE PAUL-LCA J. ART & ENT. L. & POL'Y, 2004.